

الحمد لله  
الرحمن الرحيم



---

نردبان‌ها و پرتگاه‌های زندگی  
مقطع دبیرستان

---

ناشر: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه

قطع: رقعی

چاپخانه: چاپخانه‌ی بزرگ قرآن کریم - اسوه

نوبت چاپ: اول - تیر ۱۳۹۱

سایت سازمان: [www.awqaf.ir](http://www.awqaf.ir)

سایت معاونت: [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir)

سایت مجتمع: [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir)

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی

آدرس مجتمع: قم، خیابان صفاییه، کوچه‌ی ممتاز، کوی ۷، پلاک ۳۲، مجتمع فرهنگی

پژوهشی معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه.

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۷۴۶۴۳۱      نامبر: ۰۲۵۱ - ۷۷۳۷۱۳۱

باسمه تعالی

قال امیرالمومنین علیه السلام: ﴿انما قلب الحدث كالارض الخاليه ما ألقى فيها من شى قبلته﴾

امام علی علیه السلام فرمود: (دل نوجوان مانند زمینی خالی و مستعد است که هر بذری در آن افشاندن شود، می پذیرد)

(نهج البلاغه، نامه ۳۱)

سازمان اوقاف و امور خیریه در راستای ترویج علوم و معارف قرآن کریم در سطح جامعه و با بهره‌مندی از عوائد موقوفات و در راستای اجرای نیات خیر واقفین به ویژه نیات فرهنگی و قرآنی چندی است که اقدام به برگزاری طرح نشاط معنوی در فصل تابستان در امامزادگان و بقاع متبرکه نموده است.

کتابی که در پیش رو دارید به نام (نردبان‌ها و پرتگاههای زندگی) و ویژه مقطع دبیرستان می باشد که با ۳۰ عنوان آموزشی در حوزه معارف با محوریت آیات الهی، جهت رشد و تعالی دانش آموزان تهیه و تدوین شده است.

امید است جامعه اسلامی ایران به ویژه جوانان و نوجوانان با حضور در طرح تابستانی نشاط معنوی در کلیه امامزادگان متبرکه و اندیشیدن در آیات الهی از گنجینه های ناب آن استفاده نماید.

در پایان ضمن تشکر از همکاری موسسه فرهنگی قرآن و عترت تبیان دوام توفیقات آن موسسه را از خداوند متعال مسألت داریم.

معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه

## فهرست مطالب

---

۱.....	احسان و نیکی به والدین
۵.....	انتظار و ارتباط با امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small>
۸.....	بی کاری و کم کاری
۱۱.....	پوشش نامناسب
۱۴.....	اضاعه، ترک نماز
۱۷.....	موضوع: حب و دوستی اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۰.....	حسادت
۲۵.....	حسن ظن
۲۸.....	حضور در محافل لغو و بیهوده
۳۱.....	خشم و غضب
۳۵.....	دروغگویی
۳۹.....	دعا
۴۲.....	رعایت اموال عمومی و بیت المال
۴۶.....	روزه‌ی کامل
۴۹.....	سخاوت و جود
۵۲.....	سخن چینی و سعایت
۵۷.....	سعی در امر به معروف و نهی از منکر

شوخی‌های بی‌مورد .....	۶۱
صله‌ی رحم .....	۶۴
غیبت .....	۶۷
فحش و ناسزاگویی .....	۷۰
کبر .....	۷۳
مسخره کردن و استهزاء .....	۷۶
مشورت و رایزنی .....	۷۹
موسیقی حرام .....	۸۲
نظافت و پاکیزگی .....	۸۶
نظم در زندگی .....	۸۹
نگاه حرام .....	۹۲
نیکی به همسایگان .....	۹۶
ورزش و تقویت جسم .....	۹۹
کلام آخر .....	۱۰۲



## احسان و نیکی به والدین

### تعریف:

احسان و نیکی به والدین عبارت است از نیکوکاری و کمک کردن به والدین با مال و آبرو و جان و فرمانبرداری محض از آن‌ها مگر در معصیت خداوند.

### از نگاه قرآن:

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾<sup>۱</sup>  
و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید.

### از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قال علی علیه السلام: بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ»<sup>۲</sup>  
امام علی علیه السلام: نیکی به والدین، بزرگترین واجب است.  
«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرَّ وَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا»<sup>۳</sup>  
رسول خدا ﷺ: آقای نیکوکاران در روز قیامت، مردی است که بعد از درگذشت پدر و مادر خود به آنان نیکی کند.

۱. نساء/۳۶.

۲. عیون الحکم ص: ۱۹۵.

۳. بحار الأنوار/ج ۷۱ ص: ۲۲.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. قبولی طاعات و عبادات: نیکی به پدر و مادر موجب قبولی سایر طاعات و عبادات انسان می‌شود.
۲. تحصیل رضای خدا: خشنودی و رضایت والدین از انسان باعث تحصیل رضای خداوند می‌شود.
۳. احسان فرزندانمان در آینده نسبت به ما: خداوند چنان مقدر کرده که کسی که به والدین خود نیکی کند در آینده فرزندان او نیز به او احسان و نیکی می‌کنند.
۴. برکت عمر و ثروت: نیکی به پدر و مادر باعث ایجاد برکت در عمر و ثروت انسان می‌گردد.

## راه‌های دستیابی:

- راه علمی: ۱. دقت در آیات و روایاتی که بر این مسأله تکیه و تأکید دارند.
۲. تفکر در آفات بدی به والدین.
۳. دقت در سیره‌ی اولیا و برخورد آنان با والدینشان.
۴. شناخت حقوق آنها.
- راه عملی: ۱. خود را به احسان به والدین واداشتن اگر چه در ابتدا سخت باشد تا ایجاد ملکه گردد.
۲. درخواست از خدا برای توفیق پیدا کردن در نیکی به والدین.
۳. احق‌ای حقوق آن‌ها به تدریج.

## نکات قابل توجه:

۱. از بین پدر و مادر در احسان به مادر بیشتر تکیه شده است.
۲. برخی از مصادیق نیکی به والدین عبارتند از:





الف) اطاعت از آن‌ها مگر در معصیت خدا. ب) به اسم صدا نزدن والدین. ج) جلوتر از والدین راه نرفتن. د) شکر گذار آن‌ها بودن در همه حال. هـ) برآوردن حاجات و نیازهای آن‌ها قبل از اینکه ابراز کنند.

۳. والدین پس از مرگ نیز برانسان حقوقی دارند که برخی از آنها عبارتند از:

الف) عمل کردن به وصیت آنها چنانچه مطابق شرع باشد. ب) دعا برای آمرزش آن‌ها. ج) رسیدگی به بدهکاری مالی آنها. د) به زیارت قبور آن‌ها رفتن. هـ) انجام عبادات و اعمال معنوی به نیت آنها. و) خواندن نماز و روزه‌ی قضای آن‌ها.

۴. ممکن است کسی پس از مرگ والدین بخاطر ترک حقوق آنها عاق شود.

#### حکایت:

روزی حضرت موسی علیه السلام در ضمن مناجات به پروردگار عرض کرد: خدایا می‌خواهم همنشینی را که در بهشت دارم ببینم که چگونه شخصی است.

جبرئیل بر او نازل شد و گفت: یا موسی علیه السلام قصابی که در فلان محل است همنشین تو است. حضرت موسی علیه السلام به درب دکان قصاب آمده، دید جوانی شبیه شبگردان مشغول فروختن گوشت است.

شب که شد جوان مقداری گوشت برداشت و به سوی منزل روان گردید. موسی علیه السلام از پی او تا درب منزلش آمد و به او گفت: مهمان نمی‌خواهی؟

گفت: بفرمائید، موسی علیه السلام را به درون خانه برد. حضرت دید جوان غذائی تهیه نمود، آنگاه زنبیلی از طبقه فوقانی به زیر آورد، پیرزنی کهنسال را از درون زنبیل بیرون آورد و او را شستشو داد، غذا را با دست خویش به او خورانید.

موقعی که خواست زنبیل را به جای اول بیاویزد زبان پیرزن به کلماتی که مفهوم نمی شد حرکت نمود؛ بعد جوان برای حضرت موسی علیه السلام غذا آورد و خوردند.

موسی علیه السلام سؤال کرد حکایت تو با این پیرزن چگونه است؟ عرض کرد: این پیرزن مادر من است، چون وضع مادی ام خوب نیست که کنیزی برایش بخرم خودم او را خدمت می کنم.

پرسید: آن کلماتی که به زبان جاری کرد چه بود؟ گفت: هر وقت او را شستشو می دهم و غذا به او می خورانم می گوید: خدا ترا ببخشد و همنشین و هم درجه ی حضرت موسی در بهشت کند موسی علیه السلام فرمود: ای جوان بشارت می دهم به تو که خداوند دعای او را درباره ات مستجاب گردانیده است، جبرئیل به من خبر داده که در بهشت تو همنشین من هستی.

### تعریف:

انتظار یعنی کوشش معنی‌دار علمی و عملی برای ایجاد پیوند معنوی و کسب رضایت امام زمان و در بعد اجتماعی یعنی نگرانی از وضعیت موجود و تلاش برای ورود بهترین انسان به صفحه‌ی اجتماع بشری برای رسیدن به وضعیت مطلوب.

### از نگاه قرآن:

«بَقِيتُ اللّٰهَ خَيْرَ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ»<sup>۱</sup>

ذخیره الهی (امام زمان) برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید.

### از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ: اَفْضَلُ اَعْمَالٍ اُمْتِيْ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ»<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ فرمودند: بالاترین اعمال امت من این است که در انتظار فرج و گشایش از سوی خدا باشند.

«قَالَ الصّٰدِقُ ﷺ: الْمُنتَظِرُ لِلثَّانِي عَشَرَ كَالشَّاهِرِ سَيِّفُهُ بَيْنَ يَدَيْ رَسُوْلِ اللّٰهِ ﷺ يَذُبُّ عَنْهُ»<sup>۳</sup>

امام صادق علیهم السلام فرمودند: کسی که منتظر و چشم به راه دوازدهمین امام باشد، مانند کسی است که با شمشیر برکشیده از پیامبر دفاع می‌کند.

۱. هود/۸۶

۲. البحار/۵۲/۱۲۸/۲۱.

۳. البحار/۵۲/۱۲۹/۲۴.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. انتظار موجب تقویت حالات معنوی و جدی بودن در دین داری می‌شود.
۲. انتظار امام زمان علیه السلام موجب داشتن بزرگترین پشتوانه معنوی در زندگی می‌شود.
۳. انتظار موجب کسب لذت معنوی در نتیجه ارتباط با امام زمان علیه السلام می‌شود.
۴. انتظار موجب امیدواری به آینده می‌شود.
۵. انتظار موجب بهره‌گیری بیشتر از عنایات امام زمان علیه السلام می‌شود.

## راه‌های دستیابی:

۱. تفکر در نتایج انتظار. ۲. مطالعه‌ی زندگی امام عصر علیه السلام و حالات و وظایف منتظرین.
۱. تقویت ارتباط با امام زمان علیه السلام از طریق دعاها و زیارات.
۲. صدقه دادن برای حضرت. ۳. اهداء ثواب اعمال عبادی به محضر امام زمان علیه السلام. ۴. خودسازی و تهذیب نفس. ۵. احترام و ارتباط با علمای وارسته‌ی دینی و نائبان عام امام زمان علیه السلام. ۶. مهیا نمودن خود و دیگران برای ظهور حضرت. ۷. خدمت به شیعیان و پیروان آن حضرت. ۸. خواندن نماز امام زمان علیه السلام.

## نکات قابل توجه:

۱. از بهترین آرزوهای معنوی درخواست دیدار امام زمان علیه السلام است.
۲. نوشتن عریضه، یعنی ارتباط نوشتاری با امام زمان علیه السلام روح انتظار را تقویت می‌کند.



## حکایت:

یکی از علمای متعصب اهل سنت کتابی مفصل در رد شیعه نوشته بود و آن را برای مردم می‌خواند و مردم را نسبت به مذهب تشیع بدبین می‌نمود. علامه‌ی حلی (م ۷۲۶ هـ.ق) تصمیم گرفت به هر قیمت آن کتاب را به دست آورد تا هم از تمامی مطالب آن آگاهی یابد و هم بر آن ردّی بنویسد ولی آن عالم سنی کتاب را به هیچ کس نمی‌داد. علامه حلی مدتها به عنوان شاگرد به کلاس درسش رفت و با او ارتباط گرمی برقرار کرد و پس از مدتی از او تقاضا کرد که چند وقت آن کتاب را به عنوان امانت به وی دهد. او گفت: من عهد کرده‌ام که این کتاب را بیش از یک شب به کسی ندهم.

علامه فوراً قبول کرد و قول داد که فردای آن روز کتاب را به ایشان برگرداند. کتاب را گرفت به خانه آورد و شروع به نوشتن آن کتاب کرد لیکن کتاب دارای صفحه‌های بسیار بود و ممکن نبود که تا صبح رونوشت آن کتاب تمام شود. نصف شب فرا رسید علامه مقداری از آن کتاب را نوشته خستگی و خواب از توان او کاسته بود ناگهان مردی با لباس عربی به خانه ی او آمد و پس از احوال پرسی به علامه گفت:

نوشتن این کتاب را به من واگذار، تو خسته‌ای، استراحت کن.

علامه قبول کرد، کتاب را در اختیار او گذاشت و به بستر رفت و خوابید. و بعد از چندی که از خواب بیدار شد دید کسی در خانه نیست و آن کتاب قطور به طور معجزه آسایی تا آخر نوشته شده است و در پایان آن نام مقدس امام زمان حضرت حجة بن الحسن علیه السلام نقش بسته و امضا شده است. آن گاه علامه فهمید که آن شخص حضرت مهدی علیه السلام بوده است.

تعریف:

بی کاری و کم کاری یعنی بی رغبتی به تلاش و کوشش برای کسب حلال و خود را برده صفت به دیگران وابسته نمودن و ارتزاق از دیگران و کوتاهی در انجام وظایف اقتصادی.

از نگاه قرآن:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

و اگر مؤمن هستید هرگز سستی نکنید و اندوهناک نباشید که شما برترید.

از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قال موسى بن جعفر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيُبْغِضَ الْعَبْدَ الْفَارِغَ»<sup>۲</sup>

امام کاظم عليه السلام: خدا از بنده بیکار نفرت دارد.

«قال علي عليه السلام: مِنَ الْفَرَاغِ تَكُونُ الصَّبْوَةُ»<sup>۳</sup>

امام علی عليه السلام: هوا و هوس برخاسته از بیکاری است.

۱. آل عمران/ ۱۳۹.

۲. وسائل الشیعه ج ۱۷ ص: ۵۷.

۳. تصنیف غرر الحکم ص: ۳۲۳.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. فقر و بدبختی، بیکاری موجب پیدایش فقر و تنگدستی می گردد.
۲. مبتلا شدن به عشق های کاذب. ۳. فرد بیکار بار زندگی خود را بر دوش دیگری می اندازد و همیشه سر بار دیگران است. ۴. بیکاری باعث ایجاد مشکلات روانی در انسان می گردد. ۵. طبق روایات در روز قیامت از کسی که کارهایش را دیگران انجام می دهند سخت ترین حساب را می کشند.

## راه های درمان:

- راه علمی: ۱. تأمل در فوائد کار و تلاش ۲. بررسی مفاسد بیکاری
۳. مطالعه ی زندگی بزرگان و پیشوایان در این خصوص. ۴. آشنایی با اصول مدیریت زمان و برنامه ریزی
- راه عملی: ۱. اهمیت دادن به کار و تلاش از دوران کودکی و نوجوانی
۲. کسب یک مهارت فنی و هنری. ۳. تقویت روحیه ی عزت نفس در خود.
۴. مبارزه با تنبلی و ضعف اراده. ۵. مشاوره ی شغلی گرفتن.

## نکات قابل توجه:

۱. مشغول بودن به کار، تنها جهت تأمین هزینه های اقتصادی نیست بلکه در سیره ی اهل بیت علیهم السلام و دین اسلام به کار به عنوان یک امر مقدس نگاه می شود و اسلام زحمت کشیدن برای کسب روزی حلال را نوعی عبادت تلقی می کند. ۲. از جمله فراغت های پسندیده، فراغت جهت تفکر درباره ی خویشتن و فراغت جهت تلاوت قرآن است.

### حکایت:

امام کاظم علیه السلام در زمینی که متعلق به شخص خودش بود مشغول کار و اصلاح زمین بود. فعالیت زیاد عرق امام را از تمام بدنش جاری ساخته بود. علی بن ابی حمزه ی بطائی، در این وقت رسید و عرض کرد: قربانت گردم، چرا این کار را به دیگران نمی گذاری؟ حضرت فرمودند: چرا به عهده ی دیگران بگذارم؟ افراد از من بهتر همواره از این کارها می کرده اند.

علی بن ابی حمزه ی بعلائی گفت: مثلاً چه کسانی؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام و همه پدران و اجداد. اساساً کار و فعالیت در زمین از سنن پیغمبران و اوصیای پیغمبران و بندگان شایسته ی خداوند است.



### تعریف:

منشأ پوشش نامناسب حالتی نفسانی است که نتیجه آن استفاده از لباس های نامناسب و ممنوع تجملی برای مردان و زنان است.

### از نگاه قرآن:

﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أُنْزِلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَ رِشَاءً وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾؛<sup>۱</sup>

ای فرزندان آدم! در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را می‌پوشاند و برای شما زینتی است. ولی بهترین جامه، لباس تقوی است. این از نشانه‌های خداست، باشد که متذکر شوند.

### از منظر اهل بیت (علیهم‌السلام):

«قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ لَبَسَ مَشْهُورًا مِنْ الثِّيَابِ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ: هر کس از لباس‌های مشهور (و چشمگیر) بپوشد، خداوند در روز قیامت از او روی بگرداند.

«قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَخَذَ يَلْبِسُ ثَوْبًا لِبَاهِي بِهِ لِيَنْظُرَ النَّاسُ إِلَيْهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ حَتَّى يَنْزِعَهُ»؛<sup>۳</sup>

رسول الله ﷺ: هر کس لباس فاخری بپوشد تا مردم به او نگاه کنند، خداوند به او نگردد تا زمانی که آن را از تن بیرون آورد.

۱. اعراف/۲۶.

۲. کنز العمال ۴۱۲۰۲.

۳. کنز العمال ۴۱۲۰۰.

## اسباب و علل:

۱. گاه شخص به دلیل هوسرانی از لباس‌های نامناسب استفاده می‌کند.
۲. انسانی که شهوت بر او غلبه پیدا کرده است به خواسته‌های آن (شهوت) از جمله استفاده از لباس نامناسب تن در می‌دهد.
۳. گاه اشخاص به دلیل عدم اطلاع از موضوع و جهالت و فقط برای تقلید از دیگران از این لباس‌ها استفاده می‌کنند.
۴. برخی اشخاص به دلیل احساس حقارتی که درونشان دارند از این گونه لباس‌ها استفاده می‌کنند تا خود را در معرض دید دیگران قرار دهند.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. بازماندن از ارزش‌های معنوی و رسیدن به کمال. ۲. کشیده شدن جامعه در مسیر مُد گرایی. ۳. ابتلا به بیماری ریاکاری و فخر فروشی.
۴. ایجاد فشار روانی و روحی برای فقراء. ۵. تحریک جوانان به انجام گناه.

## راه‌های درمان:

- راه علمی: اندیشیدن در مفاسد این صفت زشت.
- راه عملی: ۱. تربیت صحیح. ۲. مبارزه با ریشه‌های این صفت زشت.
۳. شخصیت و اعتبار را در علم، تقوی و عمل جستجو کردن. ۴. پرهیز از رفقای ناباب و محیط‌های آلوده. ۵. تقویت حسن احترام به فرهنگ و آداب خودی.

### نکات قابل توجه:

۱. منظور از لباس، هر چیزی است که انسان برای حفظ خود از سرما و گرما و یا تزئین خودش از آن استفاده کند حتی عینک، ساعت، گردنبند، انگشتر و کفش را شامل می‌شود.
۲. اگر لباس، انگشت نما باشد و شخصیت کسی را که آن را پوشیده است مسأله دار کند پوشیدن آن لباس چه برای مرد و چه برای زن حرام است.
۳. آرایش مردان به شکل زنان حرام است.

### حکایت:

گروهی از مسیحیان نجران در سال نهم هجری به مدینه آمدند تا با پیامبر ملاقات کنند. لباس آنان بسیار بلند و مزین به دیباچه و گوهرهای مخصوص بود که در عرب کسی این چنین لباس نمی‌پوشید. پس نزد پیامبر آمدند و سلام کردند. پیامبر جواب سلام آن‌ها را نداد و با آنها صحبت نکرد!

کسی از آنان به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای علی! چرا پیامبر این چنین رفتار کرد؟ فرمود: زیرا، لباس اینان زینتی است و انگشترهای گران قیمت دارند.

پس آنها لباس معمولی پوشیدند و انگشترها را از دست بیرون کردند سپس نزد پیامبر آمدند و سلام دادند، پس پیامبر جواب سلام آنها را داد و به نیکی با آنها رفتار نمود و سپس فرمود: به خدایی که مرا به حق مبعوث کرده، بار اول که اینان نزد من (با آن لباس و انگشتر) آمدند، دیدم شیطان همراه آنها بود (بدین علت به آنان عنایتی نکردم).

تعریف:

اضاعه و ترک نماز یعنی عدم اقامه‌ی نماز به صورت عمداً و یا بی دقتی در وضو و انجام افعال نماز به شکلی که نماز صحیح خوانده نشود و باطل باشد.

از نگاه قرآن:

﴿قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾<sup>۱</sup>

پس وای بر نمازگزارانی که ... \* در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند.

از منظر اهل بیت (علیهم‌السلام):

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَ بَيْنَ الْكَافِرِ إِلَّا أَنْ يَتْرَكَ

الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا»<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ: میان مسلمان و کافر فاصله‌ای جز این نیست که نماز واجب را عمداً ترک کند یا از روی سبک شمردن آن را نخواند.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَيْسَ السَّارِقُ مَنْ يَسْرِقُ النَّاسَ وَ لَكِنَّهُ

الَّذِي يَسْرِقُ الصَّلَاةَ»<sup>۳</sup>

رسول خدا ﷺ: سارق کسی نیست که از مردم سرقت می‌کند بلکه سارق کسی است که از نماز سرقت می‌کند.

۱. ماعون/۴-۵.

۲. ثواب الأعمال ص: ۳۳۰.

۳. بحار الأنوار ج ۸۱ ص: ۲۲۶.

## اسباب و علل:

۱. تکبر در برابر خدا: نماز، تمرین خضوع و خشوع در برابر خداوند است، کسی که در برابر خداوند تکبر می ورزد، از نماز دوری می کند.
۲. همنشینی با معصیت کاران: همنشینی و دوستی با افراد بی نماز باعث سرایت این صفت زشت به انسان می گردد.
۳. غفلت و جهالت: گاه جهل در مقابل اهمیت نماز و اسرار نهفته در آن باعث می گردد انسان نسبت به این تکلیف کوتاهی کند.
۴. ضعف تربیت دینی: فردی که در خانواده و جمع بی نماز (و به دور از تعالیم دینی) رشد کرده باشد نسبت به انجام این تکلیف الهی سستی می کند.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. عذاب قبر و جهنم: فرد بی نماز در قبر گرفتار عذاب قبر بوده و در قیامت جایگاه او آتش است.
۲. ردّ سایر اعمال خوب: در روایات آمده است اولین چیزی که از انسان سؤال می گردد نماز است اگر پذیرفته شود سایر اعمال نیز پذیرفته می گردد و اگر رد شود سایر اعمال انسان نیز رد می گردد.
۳. به شفاعت پیامبر و آل پیامبر نرسیدن: بنابر روایت، شفاعت اهل بیت علیهم السلام به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی رسد.
۴. سهل انگار شدن فرزندان به امر نماز: والدینی که نسبت به ادای نماز سهل انگاری می کنند، فرزندان خود را نیز نسبت به این فریضه بی تفاوت و سهل انگار می کنند.

## راه های درمان:

- راه علمی: ۱. دقت در آیات و روایات در مورد نماز. ۲. دقت در فواید و آثار نماز و توجه به آن. ۳. دقت و مطالعه در مورد مفاسد ترک نماز. ۴. مطالعه‌ی سیره‌ی معصومین و اولیاء خدا.
- راه عملی: ۱. همنشینی با صالحین. ۲. تمرین نماز خواندن از کودکی. ۳. شرکت در مسجد و نماز جماعت و نماز جمعه. ۴. پرهیز از گناه و حرام. ۵. رعایت احکام فقهی و آداب اخلاقی و اسرار نماز. ۶. یاری از خدا و اهل بیت علیهم السلام.

## نکات قابل توجه:

۱. برخی از اعمال موجب عدم قبولی، نماز نمازگزار می گردد که از جمله آنها عبارتند از: ۱. شراب خواری. ۲. غیبت مسلمانان. ۳. نگاه به پدر و مادر از روی غضب و دشمنی. ۴. عدم پرداخت زکات. ۵. نارضایتی شوهر از زن نافرمان.

## حکایت:

تاجری نزد امام صادق علیه السلام آمد و تقاضای استخاره کرد، جهت سفر و تجارت. استخاره بد آمد. تاجر توجه‌ای به استخاره‌ی امام نکرد و سفرش را انجام داد و از تجارتش هم سود زیادی کرد! بعد از مدتی نزد امام آمد و جریان سود را گفت! در جواب، امام گفت: که آیا یادت می‌آید در فلان روز نماز صبحتان قضا شد! گفت بلی! امام گفت: تمام سود تجارتت یک طرف و خسران قضای نماز صبحت طرف دیگر!

### تعریف:

دوستی اهل بیت علیهم السلام یعنی دل را کانون عشق آنها قرار دادن، در گفتار و کردار و بر اساس رضایت آنان عمل کردن.

### از نگاه قرآن:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾؛<sup>۱</sup>

بگو: «من در برابر رسالتم از شما هیچ مزدی نمی‌خواهم مگر دوستی با اهل بیت.»

### از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قال علی علیه السلام: أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ حُبُّنَا وَ أَسْوَأُ السَّيِّئَاتِ بُغْضُنَا»؛<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: بهترین نیکویی‌ها، حبّ ما (اهل بیت) است.

«عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ يَوْمًا خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ وَ مَنْ مَاتَ عَلَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ»؛<sup>۳</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله: یک روز محبت و رزیدن به آل محمد صلی الله علیه و آله بهتر از یکسال عبادت است و هر که با این محبت از دنیا رود، وارد بهشت می‌شود.

۱. شوری/ ۲۳.

۲. عیون الحکم (للشی) ص : ۱۱۱.

۳. کشف النعمه ج ۱ ص : ۴۷.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. حبّ اهل بیت علیهم السلام مهم‌ترین عامل رشد و تربیت است. ۲. انسان با نزدیکی به اهل بیت علیهم السلام به خداوند تقرب می‌جوید. ۳. دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله باعث پاک شدن گناهان و دوچندان شدن حسنات می‌شود. ۴. شفاعت دوستدار اهل بیت علیهم السلام در مورد چند صد نفر از خانواده‌اش پذیرفته می‌شود. ۵. دوستی اهل بیت علیهم السلام موجب ایجاد برکت و خیر زیاد در زندگی می‌شود. ۶. در روایات آمده است: هر کس با چیزی که دوست دارد محشور می‌شود، دوستی اهل بیت علیهم السلام موجب محشور شدن با اهل بیت علیهم السلام می‌شود. ۷. در قبر بر روی دوستدار اهل بیت علیهم السلام دو در به سوی بهشت باز می‌شود.

## راه‌های دستیابی:

راه علمی: مطالعه و تدبیر در مورد فضائل و اهل بیت علیهم السلام. ۲. دقت در آیات و روایات دوستی اهل بیت علیهم السلام. ۳. مطالعه حالات شیعیان خاص. ۴. تأمل و تفکر در فواید دوستی اهل بیت علیهم السلام.  
راه عملی: ۱. خواندن زیارت جامعه کبیره و سایر زیارت‌ها. ۲. همنشینی با محبین و شیعیان خاص. ۳. پرهیز از مجالست با دشمنان معصومین علیهم السلام. ۴. عمل به دستورات اهل بیت علیهم السلام. ۵. تهذیب نفس. ۶. پرهیز از دنیا طلبی و گناه.

## نکات قابل توجه:

تحصیل و حفظ محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام واجب است.



## حکایت:

مولی حسن کاشی، از شعرا و مداحان ائمه علیهم السلام بود. وقتی که از زیارت مدینه برگشت، به عراق نزد مرقد پاک امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و ایستاد و قصیده‌ای را که ابتدایش این شعر است، شروع به خواندن کرد.

ای زبده‌ی آفرینش، پیشوای اهل دین      وی ز عزت ماح بازوی تو روح الامین  
شب در خواب امام را دید و امام علیه السلام به او فرمود: تو از راه دور به سوی ما آمده‌ای و دو حق از ما طلب داری: یکی مهمان ما هستی و دومی اشعاری برایمان سرودی؛

اکنون به بصره برو؛ در آن جا تاجری است معروف به مسعود بن افلاح، چون نزدش رفتی سلام مرا برسان و بگو امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: روزی که می‌خواستی به طرف عمان حرکت کنی، به ما متوسل شدی و نذر کردی که اگر کشتی حامل اموال تجارتت سالم به ساحل برسد، هزار دینار در راه ما خرج کنی؛ هزار دینار از او بگیر و در زندگی‌ات صرف کن.

کاشی می‌گوید به بصره رفتم و او را پیدا کردم و خواب امیرالمؤمنین و پیغام حضرتش را به او رساندم. او آن قدر خوشحال شد که نزدیک بود بی‌هوش شود. مسعود تاجر گفت: به خدا سوگند هیچ کس از این توسل به غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام آگاه نبود، پس هزار دینار پول و از جهت شکر لباس گران قیمتی به من عطا کرد، و همچنین ولیمه‌ای به فقرای بصره داد.

تعریف:

حسد عبارت است از ناخوشایندی از خوبیها و پیشرفت و موفقیت دیگران و تلاش برای از بین بردن آنها.

از نگاه قرآن:

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾<sup>۱</sup>

آیا (یهودیان) حسد می‌ورزند با مردم (یعنی با مسلمین) به خاطر آنکه آنان را از فضل خود برخوردار نموده‌ایم؟

از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قال علی علیه السلام: الحَسَدُ دَابُّ السُّفْلِ وَ أَعْدَاءُ الدُّوَلِ»<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: حسد خوی فرومایگان و تنگ نظران است.

«وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِيَّاكُمْ وَ الْحَسَدَ فَإِنَّهُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ

كَمَّا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»<sup>۳</sup>

رسول خدا ﷺ: از حسادت بپرهیزید زیرا حسنات و نیکی‌ها را فرو می‌خورد همچنان که آتش هیزم را.

۱. نساء/۵۴.

۲. غرر الحکم ۱۴۷۲.

۳. جامع الأخبار ۱۲۶۶/۴۵۱.

## اسباب و علل:

۱. عجز حاسد برای رسیدن به موفقیت: شخص حسود چون از رسیدن به موفقیت عاجز است لذا سعی می کند دیگران را از جایگاهی که دارند پایین آورد.
۲. خود برتر بینی: حسود خود را از دیگران برتر و بالاتر می پندارد، لذا تحمل رسیدن دیگران به موفقیت را ندارد.
۳. بد ذاتی و بخل نسبت به دیگران: در گوشه کنار عالم افرادی هستند که از رنج و گرفتاری دیگران شاد و از راحتی و نیکویی دیگران ناراحت می شوند.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. غصه‌ی همیشگی: حسود همیشه در غم و اندوه است همانطور که در ضرب المثل داریم «حسود هرگز نیاسود».
۲. بیماری های جسمی: بنا به روایات، حسد موجب از بین رفتن تندرستی و سلامتی انسان می گردد.
۳. حسد کلید بسیاری از گناهان است: حسود برای دستیابی به میل ها و آرزوهای خود به گناهان دیگر نیز دست می زند.
۴. بدبینی: فرد حسود همواره با دید بدبینی به اعمال و رفتار دیگران می نگرد تا بتواند نقطه‌ی ضعفی برای دیگران پیدا کند.

## راه های درمان:

راه علمی: ۱. اعتقاد به اینکه نعمت دهنده خداست. ۲. اعتقاد به اینکه اراده‌ی بنده در برابر اراده‌ی خدا کارساز نیست. ۳. شناخت مفاسد حسد. ۴. دقت در آیات و روایات در حسد.

راه عملی: ۱. از بین بردن ریشه های حسد. ۲. تقویت فضائل خویش به جای پرداختن به دیگران. ۳. حد خود را شناختن. ۴. طلب فضل از خدا. ۵. دقت در اینکه اگر با حسدورزی قرار بود نعمت‌ها از بین برود هیچ صاحب نعمتی، نعمت نداشت.

## نکات قابل توجه:

۱. غبطه بر خلاف حسد صفتی پسندیده است، غبطه به معنی حساس بودن نسبت به امکانات و پیشرفت دیگران است اما نه با آرزوی زوال برای دیگران بلکه به انگیزه‌ی تلاش برای داشتن آن نعمت برای خدا.

۲. علامت های حسود بر طبق روایات سه مورد است: غیبت، چاپلوسی و شماتت در هنگام معصیت.

۳. برای ایمنی از شر حسد و حسودان، اعمالی سفارش شده است که برخی از آنان عبارتند از:

الف) استغاده به خدا. ب) خواندن اذکار مخصوص. ج) صدقه دادن. د) عدم اعتنا به عکس العمل‌های حسود و عدم مشغول نمودن فکر خود به او. و) عدم تحریک حسود.



## حکایت:

در زمان خلافت هادی عباسی مرد نیکوکار و ثروتمندی در بغداد می زیست. در همسایگی او شخصی سکونت داشت که نسبت به مال او حسد می ورزید. آنقدر درباره او حرفها زد تا دامن او را لکه دار کند اما نشد. تصمیم گرفت غلامی بخرد و او را تربیت کند و بعد مقصد خود را به او بگوید.

بعد از یک سال روزی به غلام گفت: چقدر مطیع مولای خود هستی؟ گفت: اگر بگوئی به آتش خود را بیانداز، انجام دهم، مولای حسود خوشحال شد. گفت: همسایه ام ثروتمند است و او را دشمن دارم، می خواهم دستورم را انجام دهی.

گفت: شب با هم بالای پشت بام همسایه ی ثروتمند می رویم تو مرا بکش، تا قتلیم به گردن او بیفتد و حکومت او را به خاطر قتلیم قصاص کند و از بین ببرد.

هرچه غلام اصرار در انجام ندادن این کار کرد، تأثیری نداشت. نیمه شب به دستور مولای حسود، غلام گردن مولایش را بالای بام همسایه ی ثروتمند زد؛ و زود به رختخواب خود آمد.

فردا جنازه ی حسود بر بام همسایه کشف شد. هادی عباسی دستور بازداشت ثروتمند را داد و از او باز پرسى کرد؛ بعد غلام را خواست و از او جویا شد.

غلام دید که مرد ثروتمند گناهی ندارد، جریان حسادت و کشتن مولای  
خود را تعریف کرد. خلیفه سر به زیر انداخت و فکر کرد و بعد سر برداشت و  
به غلام گفت:

هر چند قتل نفس کرده ای، ولی چون جوانمردی نمودی و بی گناهی  
را از اتهام نجات دادی تو را آزاد می کنم و او را آزاد کرد، و زیان حسادت  
به خود حسود باز گشت.



### تعریف:

حسن ظن یعنی ترجیح جانب خیر و درست بر جانب شر و نادرست، هنگامی که احتمال هر دو وجود داشته باشد. حسن ظن به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱. خوش گمانی به خداوند. ۲. خوش گمانی به رسول خدا ﷺ و اولیای دین. ۳. خوش گمانی به مردم. ۴. خوش گمانی به خویش و اعتماد به نفس.

### از نگاه قرآن:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است.

### از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قال علی علیه السلام: مَنْ حَسَنَ ظَنُّهُ بِالنَّاسِ حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ»<sup>۲</sup>  
امام علی علیه السلام: هر کس گمان نیک به مردم برد، محبت آنان را به خود جلب کرده است.

«قال علی علیه السلام: حُسْنُ الظَّنِّ يُخَفِّفُ الْهَمَّ وَ يُنْجِي مِنَ تَقَلُّدِ الْإِثْمِ»<sup>۳</sup>  
امام علی علیه السلام: خوش گمانی موجب رفع افسردگی و کم شدن اندوه می‌شود.

۱. حجرات/۱۲.

۲. غررالحکم ۳۹۷/۵/۸۴۲.

۳. غررالحکم ۳۸۵/۳.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. حسن ظن موجب نشاط و حسن روابط اجتماعی می‌گردد. ۲. حسن ظن باعث احترام به مؤمنین می‌شود. ۳. خوش گمانی محبت به خدا را در انسان تقویت می‌کند. ۴. خوش گمانی مانع اختلافات خانوادگی و اجتماعی می‌شود. ۵. حسن ظن باعث احترام به مؤمنین می‌شود. ۶. خوش گمانی نشانه‌ی سلامت دل است.

## راه‌های دستیابی:

راه علمی: دقت و تفکر در خوش باوری و ضررهای بد باوری و سوء ظن.

راه عملی: ۱. عدم یأس از رحمت خدا. ۲. مصیبت‌ها را هدایای خدا و ذخیره‌ی آخرت دانستن. ۳. حمل اعمال مردم بر صحت. ۴. عدم شتابزدگی در تصمیم‌گیری. ۵. مطالعه‌ی سیره‌ی اولیای خدا در ارتباط با خدا و مردم.

## نکات قابل توجه:

۱. نشانه‌ها و علائم حسن ظن عبارتند از:  
(الف) سلامت و پاکی قلب و دل. (ب) زنده بودن روح ایمان در انسان.  
(ج) با تأمل و تدبیر مطلبی را پذیرفتن. (د) قضاوت عادلانه داشتن.  
۲. اصل این است که تمام اعمال مؤمنین حمل بر صحت شود، مگر اینکه دلیل قطعی بر خلاف آن اقامه شود در هر صورت نباید بی‌دلیل به کسی گمان بد برد.

۳. اگر فعلی از مؤمن دیده شد که مخالف با واقع است باید حمل بر صحت شود، مادامی که ضرر مالی یا فساد دینی و آبرویی نداشته باشد





وگرنه باید احتیاط کرد و در اینگونه امور مواظبت نمود تا موجب زیان و رسوایی نشود.

۴. خوش باوری و خوش بینی به خود از موهبت‌های بزرگ خدا است. انسان باید بداند خلیفه الله است و دارای استعداد کمالی بی‌نهایت است. این حالت نوعی مثبت‌گرایی و تحرک برای استفاده از همه امکانات را برای انسان فراهم می‌کند و علاج بسیاری از افسردگی و مشکلات است.

### حکایت:

شفیق بلخی می‌گوید: وقتی در سال ۱۴۹۹ هـ.ق به حج رفتم در قادسیه جوانی را دیدم خوشرو، ضعیف اندام و گندم گون که تنها نشسته است. با خود گفتم: او از طائفه‌ی صوفیه است که می‌خواهد خود را برتر از مردم بداند. لذا می‌روم و او را سرزنش می‌کنم. چون به او نزدیک شدم گفت: «ای شفیق! از گمان‌های بد پرهیز کن که بعضی از آنها گناه است» و آنگاه برفت. فهمیدم که از بندگان صالح خداست. دیگر او را ندیدم تا در منزل واقعه او را یافتم که مشغول نماز بود. نزد او رفتم، پس از نماز فرمود: ای شفیق تو را حلال کردم... شفیق می‌گوید: بعد از آن فهمیدم که او موسی بن جعفر علیه السلام است.

تعریف:

حضور در محافل لغو و بیهوده به طور کلی به مجالست در محافل ضد ارزشی و گناه به عنوان عضو فعال و یا تماشاچی و یا مشوق اطلاق می‌گردد.

از نگاه قرآن:

﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يَكْفُرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ﴾<sup>۱</sup>

و خداوند (این حکم را) در قرآن بر شما نازل کرده که هر گاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می‌کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند!

از منظر اهل بیت (علیهم‌السلام):

«قال علی (علیه‌السلام): مَجَالِسُ الْلَّهْوِ تُفْسِدُ الْإِيمَانَ»<sup>۲</sup>  
امام علی (علیه‌السلام): مجالس لهو ایمان را فاسد می‌کند.

«قَالَ الصَّادِقُ (علیه‌السلام): لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تُجَالِسُوهُمْ فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ»<sup>۳</sup>

امام صادق (علیه‌السلام): با بدعت‌گزاران همنشینی نکنید که در نظر مردم شما هم یکی از آنان خواهید بود.

۱. نساء/۱۴۰.

۲. غررالحکم ۹۸۱۵.

۳. الکافی ۳/۳۷۵.

## اسباب و علل:

۱. دنیا زدگی انسان را از یاد خدا غافل کرده و مشغول مجالس لهو و لعب می‌کند.
۲. بیکاری باعث می‌گردد انسان به مجالس لغو و بیهود پا گذارد.
۳. دوست و رفیق بد انسان را به محافل باطل می‌کشاند.
۴. فردی که برای خود برنامه‌ای ندارد وقت خود را با شرکت در مجالس لغو و بیهوده پر می‌کند.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. شرکت در مجالس لغو و بیهود باعث از بین رفتن سرمایه‌ی دین می‌شود.
۲. اتلاف وقت از دیگر ضررهای شرکت در این گونه محافل است.
۳. کسی که در محافل لغو شرکت می‌کند از همنشینی با صالحین باز می‌ماند.
۴. شرکت در مجالس لهو و لعب انسان را از کسب دانش و علم و یاد خدا باز می‌دارد.

## راه های درمان:

۱. دقت در مفاسد مجالس لغو و لهو.
۲. تأمل در برکات همنشینی ارزشمند.
۳. دقت در آیات و روایات.
۴. محاسبه و مراقبت در زندگی داشتن.
۵. انتخاب رفیق سالم و صالح.
۶. دوری از رفقای بد.
۷. شرکت در محافل مطمئن و سالم.

## نکات قابل توجه:

۱. شرکت در جلسات گناه بمنزله‌ی شرکت در گناه است، اگر چه شرکت کننده ساکت باشد؛ زیرا این گونه سکوت‌ها یک نوع رضایت عملی است.

۲. نشست و برخاست با کافران در صورتی که نسبت به آیات الهی توهین نشود و خطر دیگری نداشته باشد مانعی ندارد.

۳. مجالس ضد ارزشی عبارتند از:

الف) مجلس موسیقی حرام. ب) مجلس توطئه بر علیه مؤمنین. ج) مجلس اختلاط زن و مرد. د) همنشینی افراد ناباب و ناسالم. هـ) مجالس شراب و قمار. و) مجلس غیبت و تهمت. ز) همنشینی با مخالفان دین و بدعت گزاران. ح) همنشینی با حاکمان و صاحب منصبان ظالم. ط) همنشینی با جاهلان و اهل معصیت.

## حکایت:

سلیمان جعفری می‌گوید: شنیدم از حضرت ابوالحسن علیه السلام به پدرم فرمود: چرا با عبدالرحمن بن یعقوب معاشرت و رفت و آمد می‌کنی؟ پدرم در پاسخ عرض کرد: او دایی من است. ابوالحسن علیه السلام فرمود: او درباره‌ی خدا حرف‌های عجیبی می‌زند، وجود خدا را محدود می‌داند و برای ذات الهی صفاتی معتقد است که شایسته‌ی ساحت قدس ربوبی نیست. پس یا با ما آمد و شد کن و او را رها نما و یا معاشرت و مصاحبت او را برگزین و نزد ما نیا. پدرم دوباره عرض کرد: او هر عقیده‌ای می‌خواهد داشته باشد؛ من که بر عقیده‌ی او نیستم و افکار و عقائد انحرافی او، خطری برای من ایجاد نمی‌کند. حضرت ابوالحسن علیه السلام فرمود: بالاخره آیا نمی‌ترسی بلائی فرا رسد و تو نیز در کنار او هلاک شوی؟



### تعریف:

خشم، نوعی تغییر و انقلاب روحی است که با انگیزه‌ی انتقام‌گیری به وجود می‌آید.

### از نگاه قرآن:

﴿وَذَا الثُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ﴾<sup>۱</sup>

و ذا النون [یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و چنین می‌پنداشت که ما بر او سخت نخواهیم گرفت.

### از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام): الْغَضَبُ مَمْحَقَةٌ لِقَلْبِ الْحَكِيمِ وَقَالَ مَنْ

لَمْ يَمْلِكْ غَضَبُهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلُهُ»<sup>۲</sup>

امام صادق (علیه السلام): هر کس مالک بر خشم خود نباشد مالک عقل خود نیست.

«قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام): إِيَّاكَ وَالْغَضَبَ فَأَوَّلُهُ جُنُونٌ وَآخِرُهُ نَدَمٌ»<sup>۳</sup>

امام علی (علیه السلام): بپرهیز از خشم! چرا که ابتدای آن دیوانگی و پایان آن پشیمانی است.

۱. انبیاء/۸۷.

۲. الکافی ۱۳/۳۰۵/۲.

۳. غرر الحکم ۲/۲۸۸.

## اسباب و علل:

۱. گاه شخص به دلیل انتقام از دیگری بر او غضب و خشم می‌کند.
۲. گاهی شیطان بر یک شخص غلبه می‌کند و او را به حالت غضب بر علیه دیگری در می‌آورد.
۳. یکی از دلایل خشم گرفتن بر دیگران حب نفس (خودخواهی) است.
۴. تکبر: انسان متکبر چون خود را بالاتر از دیگران می‌داند به خود حق می‌دهد که نسبت به دیگران خشم و غضب کند.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. غضب شدید، نور عقل را خاموش می‌کند. ۲. ممکن است غضب، به مجروح نمودن و قتل دیگران بیانجامد. ۳. انسان خشمگین ممکن است دچار فحاشی نیز گردد. ۴. خشم و غضب زمینه ایجاد کینه و دشمنی می‌گردد. ۵. انسان خشمگین پس از از بین رفتن خشم دچار عذاب وجدان می‌گردد.

## راه های درمان:

- راه علمی: ۱. یادآوری زشتی خشم و عواقب سوء آن. ۲. دقت و تأمل در پاداش کنترل خشم. ۳. دقت کردن در زشتی حرکات، گفتار و شکل و چهره‌ی خود هنگامی که خشمگین می‌شود.
- راه عملی: ۱. از بین بردن اسباب و عللی که موجب خشم می‌گردد. ۲. تغییر وضعیت جسمی مانند نشستن در هنگام خشم. ۳. دوری از همنشینی با اهل غضب. ۴. استعاذه به خدا هنگام خشم.



## نکات قابل توجه:

علائم خشم عبارتند از:

۱. عدم تأثیر نصیحت و اندرز در شخص، لجابت، داد و فریاد، ارتکاب کارهای غیر عاقلانه.
۲. اگر کسی برای تضییع حقی یا پایمال شدن حکمی از احکام خدا خشمگین شود در نزد خدا اجر و پاداش دارد و این خشم مورد ستایش است و با خشم و غضب مذموم تفاوت دارد.

## حکایت:

مردی درشت استخوان و بلند قامت که اندامی ورزیده و چهره‌ای آفتاب خورده داشت و زد و خوردهای میدان جنگ یادگاری بر چهره اش گذاشته و گوشه‌ی چشمش را دریده بود، با قدمهای مطمئن و محکم از بازار کوفه می گذشت. از طرف دیگر مردی بازاری در دکانش نشسته بود. او برای آنکه موجب خنده‌ی رفقا را فراهم کند، مشتی زباله به طرف آن مرد پرت کرد. مرد عابر بدون اینکه خم به ابرو بیاورد و التفاتی نکند، همان طور با قدمهای محکم و مطمئن به راه خود ادامه داد. همینکه دور شد یکی از رفقای مرد بازاری به او گفت: هیچ شناختی که این مرد عابر که تو به او اهانت کردی که بود؟!

نه، نشناختم! عابری بود مثل هزارها عابر دیگر که هر روز از جلو چشم ما عبور می کنند، مگر این شخص که بود؟

عجب! نشناختی؟! این عابر همان فرمانده و سپهسالار معروف، مالک اشتر نخعی بود.



عجب! این مرد مالک اشتر بود؟! همین مالکی که دل شیر از بیمش آب می‌شود، و نامش لرزه بر اندام دشمنان می‌اندازد؟

بلی مالک خودش بود.

ای وای به حال من! این چه کاری بود که کردم، الان دستور خواهد داد که مرا سخت تنبیه و مجازات کنند. همین الان می‌دوم و دامنش را می‌گیرم و التماس می‌کنم تا مگر از تقصیر من صرف نظر کند.

به دنبال مالک اشتر روان شد. دید او راه خود را به طرف مسجد کج کرد. به دنبالش به مسجد رفت، دید به نماز ایستاد. منتظر شد تا نمازش را سلام داد. رفت و با تضرع و لابه خود را معرفی کرد و گفت: من همان کسی هستم که نادانی کردم و به تو جسارت نمودم.

مالک: ولی من به خدا قسم به مسجد نیامدم، مگر به خاطر تو، زیرا فهمیدم تو خیلی نادان و جاهل و گمراهی، بی‌جهت به مردم آزار می‌رسانی. دلم به حالت سوخت. آمدم درباره‌ی تو دعا کنم و از خداوند هدایت تو را به راه راست بخواهم. نه، من آن طور قصدی که تو گمان کرده‌ای درباره‌ی تو نداشتم.





تعریف:

- دروغ به دو دسته‌ی گفتاری و عملی تقسیم می‌گردد:
۱. دروغ گفتاری: عبارت است از خبر دادن به چیزهایی که بر خلاف واقع آن است.
  ۲. دروغ عملی: عبارت است از انجام اعمال خلاف آنچه در باطن وجود دارد.

از نگاه قرآن:

﴿إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup>

تنها کسانی دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند.

از منظر اهل بیت علیهم‌السلام:

«عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام قَالَ: جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي

بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ»<sup>۲</sup>

امام حسن عسگری عليه السلام: همه پلیدیها و زشتیها در خانه‌ای جمع است و کلید آن دروغ است.

«قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: الْخَرَسُ خَيْرٌ مِنَ الْكَذِبِ»<sup>۳</sup>

امام علی عليه السلام: لالی بهتر از دروغگویی است.

۱. نحل/۱۰۵.

۲. بحار الأنوار ج ۶۹ ص: ۲۳۲.

۳. عیون الحکم ص: ۱۷.

## اسباب و علل:

۱. دشمنی: گاهی اوقات دشمنی میان دو نفر باعث می شود آن دو به دروغ چیزهایی را به یکدیگر نسبت دهند.
۲. حسادت: حسادت به یک فرد موجب می شود تا حسود با دروغ پراکنی سعی کند جایگاه آن فرد را در میان مردم کاهش دهد.
۳. ترس و بزدلی: گاه ترس از مجازات و عقاب دیگران باعث می شود انسان افعالی را که انجام داده به دروغ منکر شود.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. آلوده شدن به گناهان دیگر: در روایات از دروغ، به عنوان کلید خباثت‌ها نام برده شده زیرا باعث می شود فرد به گناهان دیگر نیز آلوده شود.
۲. عدم اعتماد مردم: فرد دروغ گو، اعتماد افراد و جامعه را نسبت به خود از بین می برد زیرا کسی برای گفتار او ارزشی قائل نمی شود.
۳. فراموش کاری: فرد دروغگو، کم کم فراموش کار هم می شود و ممکن است سخنی بگوید که بر خلاف گفته های قبلی او باشد.
۴. ایجاد نفاق: دروغگویی در انسان به تدریج باعث ایجاد حالت دورویی و نفاق می گردد.

## راههای درمان:

۱. دقت در آیات و روایت در مورد دروغ. ۲. دقت در سرنوشت افراد دروغگو. ۳. دقت در فواید راستگویی.



راه عملی: ۱. فکر کردن قبل از سخن گفتن و عمل کردن. ۲. همنشینی با راستگویان. ۳. پرهیز از اعمالی که برای توجیهش باید دروغ گفت. ۴. از بین بردن ریشه های دروغگویی.

### نکات قابل توجه:

۱. دروغ گفتن در برخی موارد جایز است که برخی از آن‌ها عبارتند از:  
(الف) نجات مؤمن از کشته شدن یا اسارت. (ب) حفظ ناموس و آبرو و یا مال. (ج) اصلاح بین مؤمنین. (د) در جنگ برای پیروز شدن. (ه) دروغ برای نجات از دست ستمگر یا حفظ مال از تعرض ظالم.  
۲. انسان می‌تواند در مواقعی که چاره‌ای جز دروغ ندارد به توریه روی بیاورد، توریه، سخن سر بسته‌ای است که گوینده از گفتن آن منظوری دارد و شنونده از آن چیز دیگری را می‌فهمد.

### حکایت:

در یکی از روزهای تابستان که سلمان باشی بسیار تشنه شده بود و دنبال مکانی می‌گشت که آب خنکی پیدا کرده و بنوشد، وقتی نزدیک منزل دوستش، رفیق الدوله رسید. سراسیمه خود را به در منزل او رسانده و بدون گفتن اصل مطلب و حقیقت، سلام و احوالپرسی گرمی با او کرد. رفیق الدوله هم که قدری خسته بود و از خواب بیدار شده بود و حوصله‌ی میهمان را نداشت به دروغ گفت متأسفانه منزل ما کسی نیست که پذیرایی کند و من چون عادت‌م اکرام میهمان است نمی‌خواهم شرمندگی شما باشم ولی به هر حال بفرمائید. سلمان باشی با خود گفت، آب که پیدا می‌شود و وارد منزل شد، رفیق الدوله که حال خوشی بخاطر این قضیه نداشت او

را به اتاق راهنمایی کرد و خود، پیش مادر بزرگش در اتاق بغلی رفت و حال و روز خود را بیان کرد. سلمان باشی که صدای پچ پچ او را شنید ترس تمام وجودش را فرا گرفت و فکر کرد جنیان در این خانه رفت و آمد دارند بخاطر همین، تشنگی خود را فراموش کرده و آهی کشید و قش کرد و بر زمین افتاد.

رفیق الدوله با صدای آه جانسوز او سریع خود را به اتاق رسانده و فریاد بلندی کشید و گفت: وامصیبتاه به دنبال این صداها پیرزن، عصا زنان وارد اتاق شد و با دیدن این صحنه فکر کرد که سلمان باشی قالب تهی کرده و مرده است، اینجا بود که پیرزن نفسش به شماره افتاد و از دنیا رفت. راستی کن که راستان رستند در جهان راستای قوی دستند



### تعریف:

دعا اظهار عبودیت و درخواست مصالح و منافع و رفع مشکلات از خداوند متعال است.

### از نگاه قرآن:

﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا﴾<sup>۱</sup>

بگو اگر دعای شما نبود خدا به شما چه توجهی داشت؟

### از منظر اهل بیت (علیهم السلام):

«قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَ مِصْبَاحُ الظُّلْمَةِ»<sup>۲</sup>

امام علی (علیه السلام): دعا کلید رحمت و چراغ تاریکی است.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ

الدُّعَاءِ»<sup>۳</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): ناتوان ترین مردم کسی است که از دعا کردن ناتوان باشد.

۱. فرقان/۷۷.

۲. البحار/۹۳/۳۰۰/۳۷.

۳. أمالی الطوسی/۸۹/۱۳۶.

## پیامد های فردی و اجتماعی:

۱. دعا و تضرع به درگاه خداوند موجب رفع نیازها و مشکلات می گردد.
۲. آرامش روانی: بر طبق آیهی قرآن با یاد خدا دل آرام می گیرد و دعا یاد خدا و راز و نیاز با اوست. ۳. دعا بلاها را از انسان دفع می کند. ۴. دعا و تضرع به درگاه خداوند روحیهی توحید و خداشناسی را در انسان تقویت می کند.

## آداب و طریقه دعا کردن:

- برخی از آداب دعا عبارتند از: ۱. بسم الله گفتن. ۲. تمجید و مدح خداوند. ۳. صلوات فرستادن. ۴. شفیع قراردادن صالحان. ۵. اقرار به گناهان خود. ۶. اظهار تضرع و ابتهال. ۷. خواندن دو رکعت نماز. ۸. کوچک نشمردن هیچ دعایی. ۹. زیاد نشمردن خواسته ها. ۱۰. بلند همتی در خواش. ۱۱. پنهانی بودن دعا. ۱۲. دعای گروهی. ۱۳. دعا برای همه ی مسلمین. ۱۴. حسن ظن به اجابت دعا. ۱۵. انتخاب زمان مناسب. ۱۶. پافشاری و اصرار بر دعا.

## نکات قابل توجه:

۱. طبق روایات دعای این افراد مستجاب می گردد:  
(الف) کسی که چشم امید از غیر خدا بر کند. (ب) کسی که جز خشنودی خدا در دلش خطوری نباشد. (ج) دعای پدر در حق فرزند نیکوکار. (د) نفرین پدر در حق فرزند آزار دهنده اش. (ه) دعای ستم دیده بر علیه ستمگر. (و) دعای مؤمن در حق مؤمن. (ز) دعای کودکان پاک.
۲. ارتکاب به گناه: ظلم، لقمه حرام و ناسازگاری دعا با حکمت خداوند از اموری است که مانع استجاب دعا می شود.



## حکایت:

در آن شب، یکسره به کلمات مادرش که در گوشه‌ای از اطاق رو به قبله کرده بود گوش می‌داد. رکوع و سجود و قیام و قعود مادر را در آن شب، که شب جمعه بود، تحت نظر داشت. با اینکه هنوز کودک بود، مراقب بود ببیند مادرش که این همه درباره‌ی مردان و زنان مسلمان دعای خیر می‌کند و یک یک را نام می‌برد و از خدای بزرگ برای هر یک از آنها سعادت و رحمت و خیر و برکت می‌خواهد، برای شخص خود از خداوند چه چیزی می‌خواهد؟

امام حسن علیه السلام آن شب را تا صبح نخوابید و مراقب کار مادرش حضرت صدیقه‌ی مرضیه علیها السلام بود و منتظر بود که ببیند مادرش خود چگونه دعا می‌کند، و از خداوند برای خود چه خیر و سعادت می‌خواهد؟

شب صبح شد و به عبادت و دعا درباره‌ی دیگران گذشت. و امام حسن علیه السلام حتی یک کلمه نشنید که مادرش برای خود دعا کند. صبح به مادر گفت: «مادر جان! چرا من هر چه گوش کردم، تو درباره‌ی دیگران دعای خیر کردی و درباره‌ی خودت یک کلمه هم دعا نکردی؟».

حضرت فاطمه علیها السلام جواب داد: پسرک عزیزم! اول همسایه، بعد خانه‌ی

خود.

تعریف:

رعایت اموال عمومی یعنی مواظبت و مراقبت از اموال متعلق به ملت و دولت اسلامی و امانتداری در حفظ آن و پرداخت حقوق و اموال بیت المال به صاحبان حق آن و عدم اسراف در مصرف آن.

از نگاه قرآن:

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup>

مال یکدیگر را به ناحق نخورید و کار را به محاکمه قاضیان نیفکنید تا به وسیله رشوه و زور، پاره‌ی مال مردم را بخورید، با اینکه شما بطلان دعوی خود را می‌دانید.

از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قال علی علیه السلام: أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ اخْذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَ افْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ»<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام در نامه ای به کارگزاران خود نوشتند: نوک قلم‌هایتان را باریک کنید و سطرهایتان را نزدیک به هم بنویسید و از نوشتن مطالب اضافی برای من خودداری ورزید و جان کلام و لب مطلب را بنویسید و از زیاده‌گویی پرهیزید، زیرا اموال مسلمانان ضرر و زیان را برنمی‌تابد.



«قال على عليه السلام: وَلَكِنِّي آسَى أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سُفَهَاؤُهَا

وَفُجَارُهَا، فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا، وَعِبَادَهُ خَوَلًا»؛<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام در فرمایش به مالک اشتر نوشت: اما غم من این است که کار این امت را نابخردان و نابکاران آنها به عهده گیرند و در نتیجه، مال خدا (بیت المال) را میان خود، دست به دست گردانند و بندگان او را به بندگی گیرند.

### پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. حفظ اموال عمومی. ۲. آرامش روح و روان: فردی که به بیت المال دینی نداشته باشد از لحاظ روحی و روانی در آرامش است. ۳. سلامت اقتصادی: جامعه‌ای که نسبت به اموال عمومی و بیت‌المال اهتمام می‌ورزد، اقتصادی سالم و پویا دارد. ۴. حلال خوری: شخصی که حقوق بیت المال را رعایت می‌کند از دست درازی به مال دیگران نیز دوری می‌کند.

### راه‌های دستیابی:

راه علمی: ۱. دقت در آیات و روایات در اهمیت بیت المال. ۲. مطالعه سیره بزرگان در این زمینه.

راه عملی: ۱. پیروی از سیره معصومین علیهم السلام. ۲. تقویت مبانی اعتقادی و اخلاقی. ۳. مال دولت را مانند مال یتیمان دیدن. ۴. تقویت دستگاه‌های ناظر و کنترلی. ۵. دقت در عاقبت دزدان بیت المال. ۶. برخورد قاطعانه با دزدان بیت المال.

## نکات قابل توجه:

۱. بیشترین مسئولیت برای حفظ بیت المال متوجه حاکمان و صاحب منصبان است.
۲. یکی از راه‌های تضييع بیت المال، تضييع آن بوسیله‌ی خانواده‌ی صاحب منصبان است.

## حکایت:

علی بن ابی رافع سرپرست بیت المال حکومت امام علی علیه السلام گفت: در میان اموال در بیت المال، گردنبند مرواریدی بود که از بصره آورده بودند.

دختر امام، یک نفر نزد فرستاد و پیغام داد که شنیده‌ام در بیت المال گردنبند مرواریدی هست؛ می‌خواهم آن را چند روزی به عنوان عاریه به من بدهی تا روز عید قربان آن را به گردن کنم.

من به عنوان عاریه‌ای مضمونه (بدین صورت که اگر تلف شود، ضامن است)، به مدت سه روز به او دادم. اتفاقاً امام آن را در گردن دختر خود دید، پرسید: آن را از کجا به دست آورده‌ای؟ عرض کرد: آن را به عنوان عاریه‌ی مضمونه به مدت سه روز از بیت المال گرفتم و بعد از سه روز پس می‌دهم. امیرالمؤمنین علیه السلام سرپرست بیت المال را خواست و فرمود: پس چرا گردنبند را به دختر من دادی؟

عرض کرد: به عنوان عاریه‌ی مضمونه تا سه روز دادم. امام فرمود: امروز باید آن را پس بگیری و به جای خود بگذاری؛ اگر بار دیگر مثل این کار را از تو مشاهده کنم، کیفر سختی خواهی شد.



اگر دخترم آن را به عنوان عاریه از بیت المال نگرفته بود، دست او را به عنوان دزد می‌بریدم.

دختر امام وقتی این کلام را شنید به پدر عرض کرد: مگر من دختر تو نبودم. فرمود:

دخترم! انسان نباید بواسطه‌ی اشتباهی نفس، پای از حق بیرون بگذارد. زنان مهاجرین با تو یکسان هستند، مگر به چنین گردنبندی آراسته‌اند، تا تو هم خواسته باشی در ردیف آن‌ها قرار بگیری.

تعریف:

امساک از نه چیز از اذان صبح تا اذان مغرب با نیت تقرب الی الله، روزه است و روزه‌ی کامل یعنی امساک از مبطلات روزه و موانع قبولی روزه از اذان صبح تا اذان مغرب فقهی.

از نگاه قرآن:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى  
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾<sup>۱</sup>

ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید.

از منظر اهل بیت علیهم‌السلام:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ  
الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أَجْزِي عَلَيْهِ»<sup>۲</sup>

امام صادق علیه‌السلام: خداوند متعال می فرماید: روزه برای من است و من خودم جزای آن خواهم بود.

«قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام: إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعَكَ وَ بَصْرَكَ وَ  
شَعْرَكَ وَ جِلْدَكَ»<sup>۳</sup>

امام صادق علیه‌السلام: هنگامی که روزه گرفتی پس گوش و چشم و موی و پوست خود را نیز از گناهان حفظ کن.

۱. بقره/۱۸۳.

۲. الکافی/۴/۶۳/۶.

۳. الکافی/۴/۸۷/۱.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. روزه تمرین برای رعایت تقوی و پرهیزگاری است. ۲. روزه باعث تضمین سلامتی جسم می‌شود. ۳. روزه باعث همدردی انسان با فقراء و مساکین است. ۴. روزه تمرین صبر و مبارزه با شهوات است. ۵. روزه اظهار عبودیت به درگاه خدا است. ۶. روزه سبب مغفرت گناهان است. ۷. روزه درمانی از روش‌های کنترل شهوت است، در روایت آمده است که: هر کس قدرت ازدواج ندارد روزه بگیرد که برای او قطع شهوت است.

## راه‌های دستیابی:

۱. روزه دار باید اعضا و جوارح خود را از گناه حفظ کند. ۲. تصفیه دل از رذائل اخلاقی. ۳. عدم پر خوری هنگام افطار. ۴. مواظبت از مسکن، لباس و خوراک حرام. ۵. مواظبت بر دعاهای ماه مبارک رمضان. ۶. مواظبت با فقرا و اطعام و انفاق آنان.

## نکات قابل توجه:

۱. روزه‌های واجب عبارتند از:  
(الف) روزه‌ی ماه مبارک رمضان. (ب) روزه‌ای که بواسطه عهد و نذر و قسم بر فرد واجب می‌شود. (ج) روزه‌ی روز سوم اعتکاف برای معتکفین.  
۲. برخی از اسرار روزه عبارتند از:  
(الف) نجات از اسارت شکم و شهوت و امیال نفسانی. (ب) برابری فقیر و غنی، تا غنی رنج گرسنگی را درک کند و به فقیر رحم کند. (ج) به یاد گرسنگی و تشنگی قیامت افتادن. (د) تثبیت شدن اخلاص. (ه) آرامش دل. (و) خضوع و خشوع. (ز) پاک شدن نفس. (ح) دستیابی به حکمت و معرفت و یقین.

۳. دری از درهای بهشت به نام ریّان برای ورود روزه داران است.

## حکایت:

انس گوید: پیامبر ﷺ مردم را به روزه‌ی یک روز امر کرد و فرمود: هیچ کس افطار نکند تا به او اجازه دهم. مردم روزه گرفتند تا شب شد شخصی می‌آمد و می‌گفت: ای رسول خدا روزه دارم اجازه بده افطار کنم و پیامبر به او اجازه می‌داد و همچنان می‌آمدند و اجازه می‌گرفتند تا مردی آمد و عرض کرد: از خانواده‌ام دو دختر جوان روزه دارند و شرم دارند که خدمت شما بیایند به آنها اجازه بده افطار کنند. پیامبر ﷺ از او روی گرداند. دوباره تکرار کرد و پیامبر روی گرداند سومین بار تکرار کرد. پیامبر ﷺ فرمود: آنها روزه ندارند و چگونه روزه دار است کسی که امروز گوشت‌های مردم را خورده است؟ برو و به آن دو دستور بده اگر روزه‌اند قی کنند. مرد برگشت و به آنها خبر داد و از آنها خواست قی کنند. پس هر کدام لخته‌ی خونی قی کرد. مرد به محضر پیامبر ﷺ برگشت و جریان را به او خبر داد. پیامبر ﷺ فرمود: سوگند به خدایی که جان محمد ﷺ در دست قدرت اوست اگر لخته‌های خون در شکم آنها باقی می‌ماند آتش (دوزخ) آنها را می‌خورد.



تعریف:

سخاوت یعنی فضل و بخشش مال قبل از درخواست سائل و بدون استحقاق او.

از نگاه قرآن:

﴿ثُمَّ مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى \* وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى﴾؛<sup>۱</sup>

اما آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد، \* جزای نیک (الهی) را تصدیق کند، \* ما او را در مسیر آسانی قرار می دهیم!

از منظر اهل بیت علیهم السلام:

﴿قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ السَّخَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ﴾؛<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ: سخاوت از ایمان است و ایمان در بهشت است.

﴿قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَاهِلٌ سَخِيٌّ أَفْضَلُ مِنْ نَاسِكٍ بَخِيلٍ﴾؛<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام: سخاوتمند نادان برتر از عبادت پیشه‌ی بخیل است.

۱. لیل/۷-۵.

۲. جامع السعادات/۲/۱۱۳.

۳. بحار/۲۲۸/۷۸/۱۰۳.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. سخاوتمند در دنیا محبوب مردم می‌گردد. ۲. سخاوت موجب پوشش عیوب انسان می‌گردد. ۳. فرد سخاوتمند مورد دعای خیر مردم قرار می‌گیرد. ۴. سخاوت باعث ایجاد محبت و دوستی میان مردم می‌شود. ۵. جود و سخاوت باعث زیاد شدن دوستان می‌گردد. ۶. سخاوت عامل خوبی برای بی‌رغبتی به دنیا است. ۷. سخاوتمند در آخرت مورد مغفرت الهی قرار می‌گیرد و سعادت‌مند می‌گردد.

## راه‌های دستیابی:

- راه علمی: ۱. تأمل در آثار پر برکت سخاوت و جود. ۲. خداوند را مالک همه چیز دانستن.
- راه عملی: ۱. ادای حقوق واجب. ۲. شرکت در امور عام المنفعه. ۳. دستیابی به فضیلت زهد.

## نکات قابل توجه:

۱. جود و بخشش نسبت به خویشان، اهل و عیال و نزدیکان باید بیشتر از بخشش نسبت به دیگران باشد. ۲. شایسته است انسان در حالت فقر، قناعت پیشه کند و در حال غنا و بی‌نیازی سخاوت. ۳. در روایات آمده است که خداوند حاتم طائی را بخاطر جودش عذاب نخواهد کرد.

## حکایت:

از حاتم طائی سؤال کردند: از خود کریم‌تر دیده‌ای؟ گفت: آری. گفتند: کجا؟ گفت: در بیابان می‌رفتم به خیمه‌ای رسیدم، پیرزنی در آن بود و بزغاله‌ای داشت. پیرزن نزد من آمد و مرا خدمت کرد و افسار اسبم را گرفت تا فرود آمدم. چون پسرش آمد با خوشحالی تمام از احوال من.



سؤال کرد. پیرزن به پسرش گفت: برخیز و برای میهمان وسائل پذیرائی آماده کن، آن بزغاله را ذبح کن و طعام درست نما. پسر گفت: اول بروم هیزم بیاورم، مادرش گفت: تا هیزم بیاوری دیر می شود و میهمان گرسنه می ماند و این مروت نیست. پس دو نیزه داشت، آن دو را شکست و آن بزغاله را کشت و طعام ساخت و نزدم بیاورد. چون تفحص کردم دیدم جز بزغاله چیزی نداشتند. به پیرزن گفتم: مرا می شناسی؟ گفت: نه. گفتم: من حاتم طائی هستم. باید به قبیله ی ما بیایی تا زحمت شما را جبران کنم. پیرزن گفت: ما از میهمان پاداش نگیریم. از این سخاوت بی نظیر دانستم که ایشان از من کریم ترند.

تعریف:

نقل گفته‌ی دیگران به کسی که صحبت درباره‌ی او بوده است یا به عبارت دیگر هر قول یا فعلی که از مردم دیده شود ولی آن شخص راضی به افشاء آن نباشد نقل قولش سخن چینی است.

از نگاه قرآن:

﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾<sup>۱</sup>

وای بر هر عیبجوی طعنه زن.

از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قال الصادق عليه السلام: مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رِوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مَرْؤُوتَهُ لِيُسْقِطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ وَلَائِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ وَ لَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ»<sup>۲</sup>

امام صادق عليه السلام: اگر فردی علیه مؤمنی کلامی بگوید تا او رسوا و بی شخصیت گردد، خداوند متعال او را از سرپرستی خود خارج کرده و تحت سرپرستی شیطان در می‌آورد و شیطان هم او را قبول نمی‌کند.

«قال علي عليه السلام: إِيَّاكَ وَ النَّمِيمَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ الضَّعِيفَةَ»<sup>۳</sup>

امام علی عليه السلام: از سخن چینی بپرهیز چرا که سبب ایجاد کینه می‌شود.

۱. همزه/۱.

۲. جامع السعادت ۲/۲۷۶.

۳. تصنیف غرر الحکم ص: ۲۲۲.

## اسباب و علل:

معمولاً سخن چینی به خاطر قصد بدی است که متکلم و گوینده‌ی آن کلام دارد و گاهی ابراز محبت و دوستی به کسی است که سخن درباره‌ی او گفته شده است و گاهی نیز به خاطر توبیخ یا سخن بیهوده گفتن است. ناپاکی در ولادت هم یکی از عوامل مهم آن است.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. سخن چینی مانع دخول به بهشت می‌شود. ۲. نمام مبعوض‌ترین مردم نزد خداست. ۳. سخن چین تحت ولایت شیطان در می‌آید. ۴. معمولاً نمامی به مفاسدی همچون دروغ و غیبت و خیانت، حيله‌گری و مکاری، حسد ورزی و افساد بین مردم و نفاق منجر می‌شود. ۵. ثلث عذاب قبر به خاطر سخن چینی است.

## راه‌های درمان:

راه علمی: ۱. مطالعه در آفات زبان. ۲. مطالعه و دقت در آفات سخن چینی و سعایت. ۳. دقت در آیات و روایات نکوهش این صفت زشت. ۴. مطالعه تاریخی فتنه‌ها و خونریزی‌ها در نتیجه‌ی جاسوسی.

راه عملی: ۱. تمرین سکوت. ۲. عادت دادن زبان به ذکر خدا. ۳. تزکیه‌ی نفس و تلاش برای خوش دل بودن. ۴. کسب تقوی و خداترسی. ۵. تمرین خیر خواهی لسانی به جای سخن چینی. ۶. مراجعه به سیره‌ی صالحین.

## نکات قابل توجه:

۱. سخن چینی و سعایت می‌تواند از طریق گفتن، نوشتن و رمز و اشاره صورت گیرد.

۲. سخن چینی از گناهان کبیره است و لازم است مؤمن آنچه از احوالات مؤمنین مطلع است سکوت اختیار کند مگر اینکه در بیان آن سودی برای مسلمان یا دفع گناهی باشد.

## حکایت:

روزی شخصی به بازار برده فروشان رفت. برده‌ای زیبا و قوی که به انواع هنرها آراسته بود نظر وی را به خود جلب کرد.

نزدیک رفت و قیمت او را پرسید.

صاحب برده اعلام آمادگی کرد، او را به نصف قیمت متعارف بفروشد.

مشتري: سبب ارزانی او را پرسید.

گفت: او هیچ عیبی ندارد مگر یک عیب کوچک که چندان مهم نیست.

مشتري: عیب او چیست؟

برده فروش: تنها عیب او سخن چینی است، ولی در مقابل زیبایی و توانائی او این موضع قابل توجه نمی‌باشد.

مشتري گفت: در دستگاه ما کاری از او ساخته نیست، او را خرید و به منزل آورد.

مدتی گذشت، یک روز غلام به همسر ارباب خود گفت: تو به من احسان و انعام فراوان کرده‌ای، و حق بزرگی بر عهده من داری. من اخیراً متوجه مطلبی شده‌ام که بر خود لازم می‌دانم آن را به اطلاع شما برسانم.



خانم ارباب با کنجکاو۱ پرسید: قضیه چیست؟

غلام: ارباب عاشق دختر جوان زیبائی شده و تصمیم گرفته تو را طلاق دهد و با او ازدواج کند. و من بارها ارباب را با آن دختر دیده‌ام.

خانم ارباب: ای وای بر من، راست می‌گوئی؟

غلام سوگند یاد کرد که جز حقیقت بر زبان جاری نکرده است.

خانم ارباب: راه چاره چیست؟ چه باید کرد؟

غلام: نمی‌دانم. مدتی به فکر فرو رفت. آنگاه گفت: یافتم، راه علاج آن

است که وقتی ارباب خوابیده، مقدار از موی زیر گلوی او را به تیغ بچینی، و

آن را نزد ساحری ببری تا او افسونی بخواند و دل ارباب را مسخر تو

گرداند، و محبت آن دختر از دلش بیرون رود.

خانم ارباب پذیرفت و تصمیم گرفت پیشنهاد غلام را بکار بندد.

غلام نزد ارباب رفت و گفت: این لطف و محبتی که تو به من داری،

هیچ کس در حق فرزند خویش ندارد. به همین خاطر بر خود لازم دانستم

آنچه را برایم معلوم گشته، برایتان باز گو کنم. شاید ذره‌ای از الطاف و

مراحم شما جبران شود.

غلام گفت: خانم با مرد دیگر طرح دوستی و رابطه دارد، و چون شما

مانع ازدواج آن دو هستید. تصمیم گرفته‌اند شما را در خواب بقتل برسانند.

ارباب: چگونه سخن تو را باور کنم. سالیان دراز با صفا و صمیمت و

صداقت با یکدیگر زندگی کرده‌ایم.

غلام: وقتی به منزل رفتی، تظاهر به بیماری کن و در بستر دراز بکش

و وانمود کن که در خوابی عمیق هستی. آنگاه به صدق گفتار من پی

خواهی برد.



ارباب پیشنهاد غلام را بکار بست. در حالی که در بستر علی الظاهر خوابیده بود، ناگهان همسرش را بالای سر خود دید که تیغی بدست گرفته و قصد جان وی دارد. بلافاصله از جای برخاست و زن را کشت. غلام بدون فوت وقت، خود را به قبیله زن رساند و آنان را از وقوع قتل توسط شوهر مطلع ساخت. آنان بدون تفحص شوهر را کشتند.

سپس اقوام مرد از ماجرا آگاهی یافتند، در نتیجه شمشیرها کشیده شد، دو قبیله زن و شوهر به جان هم افتادند، و افرادی به خاطر یک سخن نادرست و سعایت یک نفر، خونشان بناحق بر زمین ریخت. و بذر کینه و عداوت در دل دو گروه برای سالها پاشیده شد.

پس از چندی حقیقت امر آشکار گشت. هر دو قبیله از عمل خود پشیمان شدند، دست اتحاد و اتفاق به یکدیگر دادند، و غلام سخن چین را یافتند و به سزای خویش رساندند.



امام صادق علیه السلام می فرماید: الساعی قاتل ثلاثة : قاتل نفسه وقاتل من یسعی به وقاتل من یسعی الیه .

سخن چین قاتل سه نفر است:

۱. قاتل خویش. ۲. قاتل کسی که از او سخن چینی کرده است. ۳. قاتل

کسی که نزد او سعایت کرده است.

### تعریف:

امر به معروف و نهی از منکر یعنی: زشت شمردن و بازدارندگی افراد از کارهای بد و تشویق و واداشتن آنها به خیر و نیکی‌ها.  
معروف یعنی آنچه عقل و عقلا می‌پسندند و یا دین به آن دستور داده است و منکر یعنی چیزی که مورد ردّ دین یا عقل و عقلاء است.

### از نگاه قرآن:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup>

و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند، اینان رستگار خواهند بود.

### از منظر اهل بیت علیهم‌السلام:

«قال علی علیه‌السلام: قَوِّمُوا الشَّرِيعَةَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامُ الْحُدُودِ»<sup>۲</sup>  
امام علی علیه‌السلام: پایه و پایداری دین امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود الهی است.

«قال علی علیه‌السلام: الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْخَلْقِ»<sup>۳</sup>  
امام علی علیه‌السلام: امر به معروف، برترین اعمال بندگان خداست.

۱. آل عمران/ ۱۰۴.

۲. عیون الحکم و المواعظ ص ۳۷۰.

۳. عیون الحکم ص: ۱۷.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. امر به معروف و نهی از منکر موجب امنیت اعتقادی و اخلاقی در جامعه می شود. ۲. امر به معروف و نهی از منکر برکات الهی را بر مردم و اجتماع نازل می کند. ۳. امر به معروف و نهی از منکر باعث کاهش تعداد معصیت کاران می شود. ۴. امر به معروف و نهی از منکر زمینه را برای ایجاد خیرات و خویبها در جامعه فراهم می کند. ۵. امر به معروف و نهی از منکر موجب آبادانی زمین می گردد.

## راه های دستیابی:

راه علمی: مطالعه زندگی آمرین به معروف و دقت در روایات و آیاتی که در این خصوص وارد شده است.  
راه عملی: تمرین و شروع امر به معروف و نهی از منکر از خود، خانواده‌ی خود، محله‌ی خود و ... .

## نکات قابل توجه:

۱. امر به معروف و نهی از منکر واجب کفائست و اگر انجامش وابسته به اجماع مؤمنین باشد بر اجتماع مؤمنین واجب می شود.  
۲. امر به معروف و نهی از منکر در صورت وجود شرایطی بر انسان واجب می شود که برخی از آن عبارتند از:  
الف) علم به معروف بودن معروف و یا منکر بودن منکر. ب) احتمال دادن تأثیر در مخاطب. ج) قدرت و تمکن. د) علم به اصرار گنهکار بر گناه یا ترک معروف.





۳- امر به معروف و نهی از منکر باید طبق آدابی صورت گیرد که از جمله آن: حسن خلق، صبورى، بى طمع بودن، شجاعت، داشتن قدرت بیان و مخاطب شناسی و زمان شناسی است.

۴- از نشانه های آخر الزمان ترک امر به معروف و نهی از منکر و بلکه امر به منکر و نهی از معروف هاست.

#### حکایت:

در زمان «فتحعلی شاه قاجار»، در یزد عالمی بود به نام «ملاحسن یزدی» که مورد احترام مردم بود. فرماندار شهر یزد به مردم ظلم و بدی می کرد. ملاحسن ایشان را از کردار ناپسندش تذکر داد ولی سودی نبخشید. شکایت فرماندار را برای فتحعلی شاه نوشت باز فایده ای نداشت.

چون در امر به معروف و نهی از منکر ساعی بود، مردم یزد را جمع کرد و همگی به دستور او فرماندار را از شهر بیرون کردند.

جریان را به فتحعلی شاه گزارش دادند. بسیار ناراحت شد و دستور داد ملاحسن یزدی را به تهران احضار کردند.

شاه به آخوند گفت: حادثه‌ی یزد چه بوده است؟ گفت: فرماندار تو در یزد حاکم ستمگری بود، خواستم با اخراج او از یزد، شر او را از سر مردم رفع کنم.

شاه عصبانی شد و دستور داد چوب و فلک بیاورند و پاهای آخوند را به فلک ببندند، و همین کار را کردند.

شاه به امین الدوله گفت: ایشان تقصیری ندارد، و اخراج فرماندار بدون اجازه‌ی او توسط مردم انجام شد.

آخوند با اینکه پاهایش به چوب و فلک بسته بود گفت: چرا دروغ  
بگویم، فرماندار را من به خاطر ظلم از یزد اخراج نمودم.  
سرانجام به اشاره‌ی شاه، امین الدوله وساطت کرد، و پای آخوند را از  
بند فلک باز کردند.

شب شاه در عالم خواب پیامبر ﷺ را دید که دو انگشت پای مبارکش  
بسته شده است، پرسید: چرا پای شما بسته شده است؟  
فرمود: تو پای مرا بسته‌ای! شاه گفت: هرگز من چنین بی ادبی نکردم.  
فرمود: آیا تو فرمان ندادی که پاهای آخوند ملاحسن یزدی را در بند فلک  
نمودند؟! شاه وحشت زده از خواب بیدار شد و دستور داد لباس فاخری به او  
بدهند و با احترام به وطنش بازگردانند. آخوند آن لباس را نپذیرفت و به یزد  
بازگشت، و پس از مدتی به کربلا رفت و تا آخر عمر در کربلا بود.



تعریف:

شوخی بی‌مورد یعنی زیاده روی در شوخی و خنده به طوری که سبب عصبان شود یا باوقار ایمانی منافات داشته باشد.

از نگاه قرآن:

﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ﴾<sup>۱</sup>

بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند.

از منظر اهل بیت (علیهم‌السلام):

«قال علی (علیه‌السلام): مَنْ كَثُرَ مِرَاحُهُ لَمْ يَخُلْ مِنْ حَاقِدٍ عَلَيْهِ وَ مُسْتَحِفٍّ بِهِ»<sup>۲</sup>

امام علی (علیه‌السلام): هر که زیاد شوخی کند از داشتن بدخواه و کسی که او را خفیف شمرد، بی‌نصیب نخواهد بود.

«قال علی (علیه‌السلام): الْمِرَاحُ يُورِثُ الضَّعَائِنَ»<sup>۳</sup>

امام علی (علیه‌السلام): شوخی (بی‌مورد) کینه به جای می‌گذارد.

اسباب و علل:

۱. طمع مال و مقام: گاه چشمداشت به مال یا مقام، انسان را به بذله گویی نزد صاحبان ثروت و قدرت وا می‌دارد. بذله گو می‌کوشد تا با شاد کردن آنها، جایی در دل آنها باز کرده و خود را به آنها نزدیک کند.

۱. مطففین/ ۲۹

۲. غرالحکم/ ۸۹۳۰

۳. تحف العقول: النص؛ ص ۸۶



۲. کینه: گاه ممکن است شخص کینه‌ای در دل داشته باشد و چون نمی‌توان آن را به طور جدی ابراز کند در قالب مزاح، سخنانی را به کار می‌برد که مخاطب را کوچک و تحقیر کند.

۳. لهو و لعب: غفلت از یاد خدا و اشتغال به بازیچه‌های دنیا، از حالت‌های بسیار معمولی است که از نیروی شهوت سرچشمه می‌گیرد و مزاح نکوهیده یکی از سرگرمی‌هایی است که از جریان ناشایست این نیرو، پدید می‌آید.

### پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. نابودی آبرو: شوخی بسیار آبروی انسان را می‌ریزد.
۲. نابودی ایمان: شوخی فراوان ایمان را از بین می‌برد.
۳. کاهش وقار: شوخی موجب کاهش وقار و هیبت بذله‌گو در میان مردم می‌شود.



۴. کاهش جوانمردی: شوخی مروت و جوانمردی را کاهش می‌دهد.
۵. دشمنی و کینه: شوخی باعث کینه و دشمنی می‌شود.
۶. کاهش نیروی خرد: مزاح موجب کاهش نیروی خرد می‌شود.
۷. کاهش ارزش انسانی: شوخی شخصیت انسان را از بین می‌برد.
۸. از دست دادن فرصت‌ها: هدر دادن عمر گرانبها و گذراندن بی‌ثمر آن از دیگر پیامدهای ناخوشایندی است که شوخی نکوهیده پدید می‌آورد.

### راه‌های درمان:

۱. جهت مثبت دادن به مزاح‌ها. ۲. علاج و درمان ریشه‌های مزاح منفی، همچون دلک صفتی و یاوه‌گوئی. ۳. جدی گرفتن زندگی. ۴. یقین داشتن به ثبت همه اعمال و گفتارهای ما.

## نکات قابل توجه:

۱. شوخی بی‌مورد اگر به معصیت منجر شود حرام است.
۲. انسان کامل انسانی است که جدی بودنش بر مسخره‌گی‌اش غالب آید.
۳. ایمان بنده کامل نمی‌گردد مگر این که شوخی بی‌مورد را ترک کند.

## حکایت:

شخصی مسخره و بذله گو به مجلس رسول خدا ﷺ وارد شد و مردم به گرد او تجمع نمودند، پیامبر اکرم ﷺ چون بر آن جمع گذشت، از علت تجمع پرسید؛ قضیه را بر ایشان شرح دادند که مردی است مسخره و بذله گو.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: فرستاده‌ی خدا مرا چنین خبر داد که، افرادی که تقلید دیگران را می‌کنند، در قیامت با سری چون کوه و گردنی چون موی در معرض حساب خواهند آمد.

تعریف:

صله‌ی رحم عبارت است از احسان و نیکی به نزدیکان و حفظ و تقویت ارتباطات لازم بین آنها و دیدار آنان.

از نگاه قرآن:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾<sup>۱</sup>

و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست.

از منظر اهل بیت (علیهم‌السلام):

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ أَعْجَلَ الْخَيْرِ ثَوَاباً صَلََةُ الرَّحِمِ»؛<sup>۲</sup>  
رسول خدا ﷺ: همانا صله‌ی رحم بسیار زود پاداش داده خواهد شد.

«قال علي عليه السلام: كَفَرُوا ذُنُوبَكُمْ وَ تَحَبَّبُوا إِلَى رَبِّكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ صَلََةِ الرَّحِمِ»؛<sup>۳</sup>

امام علی (علیه‌السلام): با صدقه و صله‌ی رحم موجبات مغفرت گناهان و زمینه‌ی محبوب شدن نزد خدا را فراهم کنید.



۱. نساء/۱.

۲. الکافی ج ۲ ص : ۱۵۰.

۳. غررالحکم (۴/۳۵۶).

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. صله‌ی رحم باعث توسعه‌ی درآمد و روزی می‌گردد. ۲. طبق روایات صله‌ی رحم باعث افزایش طول عمر می‌گردد. ۳. نیکی با خویشاوندان باعث شکوفایی و زیادشدن اعمال انسان می‌گردد. ۴. دیدار با رحم موجب یکدلی و اتحاد در بین افراد می‌گردد. ۵. صله‌ی رحم انسان را از بلاها و حوادث محفوظ می‌گرداند.

## راه‌های دستیابی:

راه علمی: مطالعه و تدبیر در مفسد قطع رحم و مطالعه‌ی برکات و فوائد آن.

راه عملی: ایجاد ارتباطات و مددکاری بین خویشان اگر چه کم باشد و اگر چه در ابتدا با اکراه و تحمیل بر خود باشد تا آنکه این حالت در روح پیدا شده و به صورت ملکه در آید.

## نکات قابل توجه:

۱. صله‌ی رحم واجب است اگر چه دوری مکان وجود داشته باشد.  
۲. صله‌ی رحم نسبت به قدرت و نیاز تفاوت می‌کند، گاه یک سلام، صله‌ی رحم محسوب می‌گردد. و گاهی علاوه بر رفتار و کلام شایسته باید کمک مالی هم نمود و گر نه قطع رحم به حساب می‌آید مثلاً واجب است پدر و مادر فقیر را از نظر مالی اداره نمود.  
۳. رحم به هر کسی گفته می‌شود که عرفاً جزء منتسبین و بستگان انسان به حساب آید.

۴. صله‌ی رحم اقسامی دارد که عبارتند از: ۱. صله‌ی رحم به مال (لباس، مسکن، خوراک). ۲. صله‌ی رحم به آبرو و دفاع از خویشاوندان ۳. صله‌ی رحم با زیارت و دیدار.

## حکایت:

شعیب عرقوقی گوید: امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: فردا مردی از اهل مغرب به نام یعقوب نزد تو می آید و از احوال من می پرسد. او را به خانه ام راهنمایی کن. من او را در حال طواف یافتم و فهمیدم مرا می شناسد. گفتم: از کجا مرا شناختی؟ گفت: در خواب مرا کسی گفت که شعیب را ملاقات کن و آنچه خواهی از او بپرس، چون بیدار شدم نام تو را پرسیدم و تو را به من نشان دادند. او را نزد امام بردم، چون نگاه امام به او افتاد فرمود: ای یعقوب دیروز وارد مکه شدی و بین تو و برادرت در فلان جا نزاعی واقع شد و کار به جایی رسید که همدیگر را دشنام دادید و این طریقه‌ی ما نیست. بزودی مرگ بین تو و برادرت جدائی خواهد افکند و این بخاطر آن است که شما قطع رحم کردید. او پرسید فدایت شوم مرگ من کی خواهد رسید؟ فرمود: همانا اجل تو نزدیک بود، لکن چون تو در فلان منزل با عمّه ات صله‌ی رحم کردی بیست سال به عمرت افزوده شد. شعیب گوید بعد از یکسال یعقوب را در حج دیدم و احوال او را پرسیدم. گفت برادرم در آن سفر به وطن نرسیده وفات یافت و در بین راه بخاک سپرده شد.





### تعریف:

غیبت عبارت است از یاد کردن بدی ها، خطاها و عیوب فرد، در هنگامی که او حاضر نیست.

### از نگاه قرآن:

﴿وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾؛<sup>۱</sup>

و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده ی خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید.

### از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَا عُمَرَ مَجْلِسٌ بِالْغَيْبَةِ إِلَّا خَرِبَ مِنَ الدِّينِ فَتَزَّهُوا أَسْمَاعَكُمْ مِنْ اسْتِمَاعِ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ الْقَائِلَ وَ الْمُسْتَمَعَ لَهَا شَرِيكَانِ فِي الْإِثْمِ»؛<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ: هیچ مجلسی به غیبت آباد نشد مگر اینکه به تخریب بینجامد، پس گوش خود را از غیبت نگهدارید چرا که غیبت کننده و شنونده ی آن شریک در گناهند.

«قَالَ عَلَى ﷺ: الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ»؛<sup>۳</sup>

امام علی ﷺ: غیبت تلاش افراد ناتوان است.

۱. حجرات / ۱۲.

۲. مستدرک الوسائل / ج ۹ ص: ۱۱۳.

۳. نهج البلاغه (للصبحی صالح) ص: ۵۵۶.

## اسباب و علل:

۱. کینه: گاه شخصی به سبب کینه و دشمنی که با فردی دارد لب به غیبت او می‌گشاید. ۲. حسادت: حسود برای آنکه دیگری را از جایگاه خود پایین آورد از او بدگویی و غیبت می‌کند. ۳. دفاع از خود: گاه فرد برای اینکه از خود دفاع کند، عیب دیگری را می‌گوید تا به این وسیله از اتهام مصون بماند. ۴. دلسوزی: در برخی موارد فرد به دلیل دلسوزی که نسبت به دیگری دارد حالات یا معایب او را بیان می‌کند و لذا به گناه غیبت گرفتار می‌شود.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. هتک شخصیت دیگران: غیبت کننده با آشکار کردن معایب دیگری موجب هتک شخصیت او می‌شود. ۲. انتقال حسنات غیبت کننده به نامه‌ی اعمال غیبت شونده: غیبت از افراد موجب انتقال ثواب های غیبت کننده به فردی که غیبت شده است می‌شود. ۳. دشمن سازی: فردی که غیبت می‌کند با این کار خصومت و دشمنی را پایه‌گذاری می‌کند. ۴. برهم خوردن رفاقت‌ها: چه بسیار رفاقت‌هایی که با یک غیبت از طرفین سست گردیده و یا از بین رفته است. ۵. از بین برنده ایمان و عدم قبولی نماز و روزه: غیبت ایمان را از انسان می‌برد و موجب عدم قبولی نماز و روزه می‌گردد.

## راه‌های درمان:

راه علمی: ۱. تأمل در مفاصد دنیوی و اخروی غیبت. ۲. دقت در فوائد ترک غیبت.

راه عملی: ۱. فکر کردن قبل از سخن گفتن. ۲. شناسایی منشأ و ریشه های غیبت و از بین بردن آن‌ها. ۳. سکوت کردن. ۴. ستایش خوبی‌های دیگران. ۵. پوشاندن عیوب مردم. ۶. گفتن ذکر خدا. ۷. تمرین جهت بازداري خود از غیبت اگرچه به اجبار باشد.



## نکات قابل توجه:

۱. غیبت در برخی موارد مجاز است که از جمله آنان عبارتند از:  
(الف) جهت احقاق حق در دادگاه ب) برای مشورت دادن به کسی که قصد ازدواج با کسی را دارد. ج) غیبت از کسی که علناً گناه می کند و به آن افتخار می کند (تنها مجاز به بیان همان گناه هستیم نه بیش از آن) د) غیبت از کسی که در دین بدعت می گذارد.
۲. توبه و پشیمانی از گناه و طلب حلالیت از فرد غیبت شونده راه خلاصی از بدی غیبت است.
۳. اگر فرد غیبت شونده قابل دسترسی نبود و یا اگر با او جهت حلالیت طلبی روبرو شود، خوف نزاع و فتنه می رود باید برای او زیاد دعا و استغفار کند.

۴. در روایات آمده است که شنیدن غیبت هم گناه غیبت را دارد.

## حکایت:

روزی ابوبکر و عمر، جناب سلمان رضی الله عنه را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستادند تا غذا بیاورد سلمان خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و تقاضای آن دو را مطرح کرد حضرت او را به نزد انباردار خود فرستاد نام انباردار اسامه بود وقتی سلمان رضی الله عنه تقاضای غذا کرد، اسامه گفت: فعلاً چیزی از غذا وجود ندارد سلمان با دست خالی پیش ابوبکر و عمر برگشته و جریان را تعریف کرد آن دو پشت سر اسامه و سلمان حرف زده و گفتند که اسامه بخل کرده و غذا نداده است و درباره سلمان نیز گفتند که اگر سلمان را به چاه سمیحه (که چاهی پر آب بوده) بفرستیم آب چاه خشک می شود.

آن دو به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند پیامبر به آنها فرمود: چه چیزی موجب شده است که در دهان شما بقیایی از گوشتی که خورده اید را میبینیم، آن دو گفتند: ما اصلاً امروز گوشت نخورده ایم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما گوشت سلمان و اسامه را خوردید.

تعریف:

فحش انتخاب کلمات گزنده، زشت و ناپسند در گفتار نسبت به مخلوقات الهی است اگر چه راست و درست باشد.

از نگاه قرآن:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾<sup>۱</sup>

به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند!

از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سِلَاحُ اللَّثَامِ قَبِيحُ الْكَلَامِ»<sup>۲</sup>

امام باقر علیهم السلام: اسلحه‌ی فرومایگان گفتارهای زشت است.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْجَنَّةُ حَرَامٌ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ أَنْ يَدْخُلَهَا»<sup>۳</sup>

رسول خدا ﷺ: ورود به بهشت بر افراد ناسزاگو حرام است.



۱. انعام/۱۰۸.

۲. البحار/۱۸۵/۷۸/۱۴.

۳. کنز العمال/۸۰۸۵.

## اسباب و علل:

۱. عداوت و دشمنی: گاه دشمنی و کینه از یک شخص موجب می‌گردد انسان نسبت به او از کلمات زشت و ناپسند استفاده کند. ۲. خشم و عصبانیت: بعضی از افراد در هنگامی که خشم و عصبانیت بر آن‌ها مستولی می‌شود لب به ناسزاگویی و فحش می‌کشایند. ۳. همنشینی با افراد لا ابالی و فاسق: مجالست و همنشینی با افراد لا ابالی موجب سرایت عادات زشت آن‌ها از جمله ناسزاگویی به انسان می‌شود. ۴. پایین بودن سطح خانوادگی و اجتماعی: فردی که در خانواده یا محیطی که از لحاظ فرهنگی در سطح پایین قرار دارد زندگی می‌کند بیشتر از دیگران در معرض آلوده شدن به این صفت ناپسند قرار دارد.

## پیامد های فردی و اجتماعی:

۱. دروغ و بهتان: شخصی که دیگری را با صفت زشتی بخواند در صورتی که آن صفت در او وجود نداشته باشد به گناه دروغ و بهتان نیز گرفتار شده است. ۲. کاهش سطح اخلاق اجتماعی: به کار بردن کلمات زشت و رکیک سطح اخلاق را در جامعه کاهش می‌دهد. ۳. سرایت به دیگران: فحاشی یک بیماری قابل سرایت است که باعث آلوده شدن همنشینان با فرد ناسزا گو می‌شود.

## راه‌های درمان:

راه علمی: ۱. مطالعه‌ی ارزش سکوت و پی بردن به ارزش کنترل زبان. ۲. دقت در آیات و روایات مذمت فحش. راه عملی: ۱. جریمه قرار دادن برای فرد در صورت فحاشی. ۲. سکوت و کنترل زبان. ۳. مجالست با افرادی که زبانی خوش و پاک دارند. ۴. دوری از ریشه‌های فحاشی. ۵. تمرین حیاء.

## نکات قابل توجه:

۱. فحاشی اختصاص به انسان ندارد بلکه یکی از اقسام فحاشی، ناسزاگویی به حیوانات و سایر مخلوقات است که در روایات از این قسم پرهیز شده است.

۲. ناسزاگویی حتی به اهل باطل نیز مذمت شده است در تاریخ می‌خوانیم که وقتی امام علی علیه السلام دیدند که اصحابشان به لشکر معاویه ناسزا می‌گویند فرمودند: خوش ندارم به آن‌ها ناسزا گویند، اگر خواستید روشنگری کنید و رفتار آنان را برای مردم توضیح دهید.

## حکایت:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله با ابوبکر کنار هم نشسته بودند. در این موقع شخصی آمد و به ابوبکر دشنام داد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ساکت و آرام نظاره گر بود. وقتی شخص دشنام دهنده ساکت شد، ابوبکر به دفاع از خود به جوابگویی و دشنام دادن به او پرداخت. همین که ابوبکر زبان به ناسزاگویی باز کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جای برخاست تا از نزد ایشان دور شود. وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله از جای خود بلند شد، به ابوبکر گفت: ای ابوبکر، وقتی که آن شخص به تو دشنام می‌داد، فرشته‌ای از جانب خداوند به دفاع از تو جوابگوی او بود، اما هنگامی که تو شروع به ناسزاگویی کردی آن فرشته شما را ترک کرده و از نزد شما دور شد و به جای او شیطان آمد. من هم کسی نیستم که در مجلسی بنشینم که در آن مجلس شیطان حضور داشته باشد.



### تعریف:

کبر یعنی خود را بالاتر از دیگران دانستن و ابراز آن و به دیگران با دیده‌ی تحقیر نظر کردن.

کبر به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. کبر در برابر خدا. ۲. کبر در برابر پیامبر و امامان. ۳. کبر در برابر بندگان

### از نگاه قرآن:

﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا﴾<sup>۱</sup>

و روی زمین، با تکبر راه مرو! تو نمی‌توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد!

### از منظر اهل بیت علیهم‌السلام:

«وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يُحْشَرُ الْجَبَّارُونَ وَ الْمُتَكَبِّرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي صُورَةِ الذَّرِّ يَطُؤُهُمُ النَّاسُ لِهَوَانِهِمْ عَلَى اللَّهِ»<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ در روز قیامت ستمگران و متکبران مانند مورچه‌ها محشور می‌شوند و در زیر پای مردم قرار می‌گیرند و این به خاطر کوچک‌انگاری آنان به مقام الهی است.

«قَالَ عَلِيُّ ﷺ: إِحْذَرِ الْكِبَرَ فَإِنَّهُ رَأْسُ الطُّغْيَانِ وَ مَعْصِيَةِ الرَّحْمَنِ»<sup>۳</sup>

امام علی علی‌ه‌السلام از خود بینی و کبر دوری کنید، چرا که آن ریشه طغیان و گناه و تمرد از خداوند است.

۱. اسراء/۳۷.

۲. مجموعه ورام / ج ۱ ص : ۱۹۷.

۳. تصنیف غر الحکم ص : ۳۰۹.

## اسباب و علل:

۱. کمبود شخصیت: کسانی که شخصیت واقعی و کمال معنوی ندارند، خواه ناخواه احساس کمبود کرده و می‌خواهند با کسب مال و ریاست و غیره ذلت و بی‌شخصیتی خود را بر طرف سازند.
۲. جهل به فضیلت و کمال واقعی: متکبران به جای جستجوی فضائل واقعی همچون، علم، تقوا و... سعی می‌کنند با کسب مقامات دنیوی شخصیت خود را ارتقاء بخشند.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. تحقیر دیگران: فرد متکبر همواره سعی در کوچک کردن دیگران و بالاتر نشان دادن خود دارد.
۲. دوری از رفاقت و همنشینی با دیگران: شخصی که خود را برتر از دیگران می‌داند از رفاقت و همنشینی با اشخاص دوری می‌کند.
۳. کار نکردن با فقرا و عدم همنشینی با آنان: شخص متکبر دوستی و کارکردن با فقرا را برای خود ننگ و عار می‌شمرد و از آن‌ها دوری می‌کند.
۴. دست کم گرفتن عذاب خدا: متکبر عذاب‌های الهی را سبک می‌شمارد و از رحمت الهی به دور است.

## راه‌های درمان:

۱. دقت در آفات کبر و فواید و آثار نیک تواضع. ۲. شناخت بزرگی خداوند.
۱. فروتنی در رفتار برای خدا و خلق خدا. ۲. مدح افرادی که لایق ستایش هستند. ۳. راه رفتن در عقب سر دیگران. ۴. هم‌کلامی و هم





خوراک شدن با زیر دستان. ۵. خرید کالا برای خانه و حمل آن به خانه. ۶. ساده پوشی. ۷. روی آوردن به عبادت خداوند به خصوص نماز. ۸. کار در خانه. ۹. خدمت به مردم در مجالس اهل بیت علیهم السلام. ۱۰. سجده بر خاک.

### نکات قابل توجه:

۱. در روایات آمده است که در برابر متکبرین، تکبر کنید.
۲. لباس کبریایی فقط مخصوص ذات احدیت است.
۳. زیاده روی در تواضع موجب ذلت و خواری و از رذائل اخلاقی است.

### حکایت:

«عمر بن شبیه» گوید: من در مکه بین صفا و مروه بودم که مردی را مشاهده کردم که سوار بر شتری شده و اطراف وی را غلامانی فرا گرفته‌اند و مردم را کنار می‌زنند تا او حرکت کند.

پس از چندی که به بغداد رفتم روزی بر روی پلی حرکت می‌کردم چشمم به مردی افتاد که لباس‌های کهنه پوشیده و پا برهنه است. خوب به او نگاه کردم و در چهره‌اش خیره شدم و به فکر فرو رفتم.

آن مرد گفت: چرا این گونه به من نگاه می‌کنی؟

گفتم: تو را شبیه مردی دیدم که او را در مکه مشاهده کردم و شروع کردم صفات او را ذکر کردم.

گفت: من همان مرد هستم.

گفتم: چرا خداوند تو را چنین کرد؟

در جواب گفت: من در جایی که همه مردم در آن تواضع می‌کنند (مکه)، تکبر کردم خداوند هم مرا در جایی که همه برای خودشان رفعت و شأنی دارند (جامعه) ذلیل کرد.

تعریف:

استهزاء نقل اقوال یا افعال و صفات و اخلاقیات مردم به وسیله‌ی گفتار، یا انجام کاری و یا به وسیله‌ی ایماء و اشاره است به صورتی که دیگران از آن به خنده افتند.

از نگاه قرآن:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾<sup>۱</sup>

ای اهل ایمان، مؤمنان هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره کنند، شاید آن قوم که مسخره می‌کنند از خودشان بهتر باشند.

از منظر اهل بیت علیهم‌السلام:

«قال رسول الله ﷺ: إِنَّ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالنَّاسِ يُفْتَحُ لِأَحَدِهِمْ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ فَيُقَالُ لَهُمْ هَلُمَّ، هَلُمَّ! فَيَجِئُ بِكُرْبِهِ وَ غَمِّهِ فَإِذَا أَتَى أُغْلِقَ دُونَهُ، ثُمَّ يُفْتَحُ لَهُ بَابٌ آخَرَ فَيُقَالُ هَلُمَّ هَلُمَّ! فَيَجِئُ بِكُرْبِهِ وَ غَمِّهِ فَإِذَا أَتَى أُغْلِقَ دُونَهُ فَمَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يُفْتَحَ لَهُ الْبَابُ فَيُقَالُ لَهُ هَلُمَّ هَلُمَّ! فَمَا يَأْتِيهِ»<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ: مسخره کنندگان مردم در روز قیامت دری از بهشت برایشان گشوده می‌شود و خطاب می‌شود بیا بیا داخل شو و او با غم و غصه می‌آید پس هنگامی که نزدیک می‌شود تا داخل شود آن در بسته می‌شود (و این عمل مرتباً تکرار می‌شود).

## اسباب و علل:

۱. دشمنی: گاه به دلیل دشمنی میان دو نفر آن دو یکدیگر را مسخره و استهزاء می کنند.
۲. کوچک نمودن طرف مقابل: در برخی موارد فرد به دلیل کوچک کردن و تحقیر شخص مقابل لب به تمسخر او می گشاید.
۳. خنداندن ثروتمندان و عیاشان به خاطر مال و مقام آنها: برخی افراد به دلیل طمع که در مال و مقام ثروتمندان دارند سعی می کنند با تمسخر دیگران آنها را بخنداند.
۴. تکبر: انسان متکبر بدلیل آنکه خود را برتر از دیگران می داند آن ها را تمسخر و استهزاء می کند.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. تمسخر مؤمن موجب رسوائی و خجالت مسخره کننده در روز قیامت نزد خدا، رسول خدا ﷺ و مردم می شود.
۲. تمسخر کننده خود در دنیا به تمسخر دیگران دچار می شود.
۳. استهزاء و تمسخر موجب دشمنی و فتنه میان مردم می گردد.
۴. تمسخر دیگران موجب ملحق شدن فرد به اراذل می شود.

## راه های درمان:

۱. تفکر و تأمل در مفاسد و ریشه های این صفت زشت و از بین بردن آن ها.
۲. کنترل زبان.
۳. تقویت ادب اجتماعی.
۴. دقت در سیره اولیاء الهی با دوستان و دشمنانشان.

### نکات قابل توجه:

۱. استهزاء و تمسخر به شرطی که موجب آزار و تحقیر مؤمن شود حرام است.
۲. یکی از صفات منافقین استهزاء قوانین الهی و انبیاء و طرفداران آنان است.
۳. یکی از شیوه‌های جنگ روانی و مبارزه با انبیاء و اولیاء و اهل حق، مسخره و استهزاء است.

### حکایت:

«ابوزمعه» و یاران او از روی تمسخر و استهزاء به پیامبر چشمک می‌زدند و استهزا می‌نمودند؛ نصایح و صحبت‌های پیامبر در آنها تأثیری نداشت! سرانجام پیامبر درباره‌ی آنها نفرین کرد.

روزی ابوزمعه در سایه‌ی درختی نشسته بود که جبرئیل با برگ آن درخت و خارهای آن بر صورت و چشم او زد تا نابینا شد.

حکم بن ابی العاص کسی بود که وقتی پیامبر راه می‌رفت، کیفیت راه رفتن او را (که بدن مبارکش به جلو تمایل می‌شد) به تقلید در می‌آورد و عده‌ای هم می‌خندیدند و تمسخر می‌کردند.

روزی پیامبر به او فرمود: چنین باش، او از آن روز دچار لرزش دست و پا شد و هرگز بهبود نیافت.



تعریف:

مشورت استفاده نمودن از عقل و تجارب دیگران و افزودن آن بر عقل و تجربه‌ی شخصی است.

از نگاه قرآن:

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾<sup>۱</sup>

و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

از منظر اهل بیت علیهم‌السلام:

«قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام: لَنْ يَهْلِكَ امْرُؤٌ عَنْ مَشُورَةٍ»<sup>۲</sup>  
امام صادق علیه‌السلام: هیچ انسانی از مشورت کردن نابود نمی‌شود.

«قَالَ عَلِيُّ علیه‌السلام: لَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ»<sup>۳</sup>  
امام علی علیه‌السلام: هیچ پشتیبانی چون مشاوره نیست.

۱. شوری/۳۸.

۲. المحاسن/۲/۴۳۶/۲۵۱۲.

۳. نهج البلاغه حکمت ۵۴.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. مشورت نوعی مشارکت فکری و تشویق به کار جمعی است.
۲. مشورت کردن باعث افزایش عقل انسان می‌شود. ۳. با مشورت دیگران انسان می‌تواند تصمیم‌های واقع بینانه بگیرد. ۴. مشورت گرفتن از دیگران احترام به افکار و آراء آنان نیز هست. ۵. مشورت با دیگران سبب مبارزه با نخوت و تکبر درونی انسان می‌گردد. ۶. تصمیم‌هایی که با مشورت صورت می‌گیرد از احتمال خطای پایین‌تری برخوردار است.

## راه‌های دستیابی:

۱. دوری از خود محوری و خود رأیی. ۲. دقت در فواید مشاوره. ۳. دقت در آیات و روایات در توصیه به مشورت. ۴. مبارزه با تکبر و موانع دیگر برای مشورت خواهی.

## نکات قابل توجه:

۱. شرایط مشاور در روایات اهل بیت علیهم‌السلام عبارتند از: الف) عاقل باشد. ب) خدا ترس باشد. ج) با تجربه باشد. د) دور اندیش باشد. ه) آزاده و متدین باشد. و) دوست و دلسوز باشد. ی) راز نگه دار باشد.
۲. توصیه شده با این افراد مشورت نشود:
  ۱. ترسو چون راه حل مشکل را بر انسان تنگ می‌کند. ۲. بخیل: زیرا انسان را از هدفش باز می‌دارد. ۳. حریص زیرا آزمندی را در نظر انسان جلوه می‌دهد. ۴. احمق چون خودش را برای انسان خسته می‌کند اما انسان را به هدف نمی‌رساند. ۵. دروغگو چون دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد.

۳. یکی از بدترین خیانت‌ها، خیانت در مشورت است.

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها در مواردی با اصحاب مشورت می‌کردند که قانون الهی در کار نبود و فقط در طرز اجرای دستورات خدا با اصحاب مشورت می‌کردند.

۵. همه‌ی سیاستمداران و افراد موفق دارای شورای مشورتی بوده و هستند.

#### حکایت:

حسن بن جهم گوید: روزی نزد امام رضا علیه السلام بودیم که از پدرش امام کاظم علیه السلام سخن به میان آمد.

امام علیه السلام فرمود: با آن که عقلی چون عقل او نبود، و عقلش برتر از همه بود، گاهی با خدمتکار سودانی خویش مشورت می‌کرد.

عرض شد: آیا شما (امام رضا علیه السلام) هم با چنین افرادی مشورت می‌کنید؟

فرمود: آری، چه بسا خداوند تبارک و تعالی، حق و آن چیزی را که ما می‌خواهیم، بر زبان او جاری می‌سازد.

تعریف:

آنچه به عنوان غنا یا موسیقی حرام مطرح است به معنی: سرگرمی به آلات موسیقی و نواختن و یا گوش دادن آهنگ های حرام و آوازخوانی به کیفیتی که مخصوص مجالس لهو و لعب و محافل اهل معصیت است.

از نگاه قرآن:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَتَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾<sup>۱</sup>

و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند برای آنان عذابی خوارکننده است!

از منظر اهل بیت (علیهم السلام):

﴿قَالَ الصَّادِقُ (ع): بَيْتُ الْغِنَاءِ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَلَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ﴾<sup>۲</sup>

امام صادق (ع): خانه ای که در آن نوای موسیقی باشد از حوادث ناگهانی ایمن نیست و در آن دعا مستجاب نمی گردد و فرشته در آن داخل نشود.

﴿قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنِ اسْتَمَعَ إِلَى اللَّهِوِ يُذَابُ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ﴾<sup>۳</sup>

رسول خدا (ص): هر کس به موسیقی حرام گوش بسپارد در گوشه های او سرب مذاب ریخته می شود.

۱. لقمان / ۶

۲. الکافی ج ۶ ص : ۴۳۱.

۳. مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص : ۲۲۰.



## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. تشنج اعصاب: گوش دادن به غنا آثار مخرب و سوئی بر روان و اعصاب آدمی می گذارد. ۲. زمینه برای گناهان دیگر: گوش دادن به موسیقی حرام زمینه ای برای گناهانی چون نگاه آلوده و شهوت رانی های حرام می شود. ۳. عدم استجاب دعا: در روایات آمده است که در خانه ای که نوای موسیقی در آن نواخته می شود، دعا مستجاب نمی گردد. ۴. رشد حالت نفاق و دورویی در انسان: امام صادق (ع) می فرماید: «غنا و موسیقی نفاق آور است» ۵. تضعیف اراده‌ی دینی: حضرت امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیث، خطرناک ترین عامل برای تضعیف اراده‌ی دینی را، غنا معرفی می کنند. ۶. فقر: بنا به روایات از عوامل ایجاد کننده‌ی فقر استماع زیاد غنا است. «کثرة الاسماع إلى الغناء تورث الفناء».

## راه های درمان:

راه علمی: ۱. دقت در عواقب و مفسد موسیقی حرام ۲. دقت در آیات و روایات.

راه عملی: ۱. داشتن تفریحات سالم جهت دوری از غنا و موسیقی ۲. تقویت باورهای دینی به خصوص مرگ و معاد ۳. پرهیز از همنشینی با افراد آلوده و شرکت در مجالس آن ها ۴. استفاده از هنر های سالم در زندگی.

## نکات قابل توجه:

- ۱- در تعریف غنا و حکم آن هر کس باید به نظر مرجع تقلید خود مراجعه کند.
- ۲- بنا به فتاوی مراجع معظم تقلید، ملاک حرمت موسیقی آن است که مناسب مجالس لهو و لعب (و گناه) باشد و در این حکم فرقی بین جدید و سنتی، محلی و غیر محلی و .... نیست.

## حکایت:



صدای ساز و آواز بلند بود. هر کس که از نزدیک آن خانه می گذشت، می توانست حدس بزند که در درون خانه چه خبرهاست؟ بساط عشرت و میگساری پهن بود و جام «می» بود که پیایی نوشیده می شد. کنیزک خدمتکار درون خانه را جارو زده و خاکروبه ها را در دست گرفته از خانه بیرون آمده بود تا آنها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت زیاد از چهره اش نمایان بود و پیشانیش از سجده های طولانی حکایت می کرد از آنجا می گذشت، از آن کنیزک پرسید:

«صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟»

– «آزاد».



– «معلوم است که آزاد است، اگر بنده می بود پروای صاحب و مالک و خداوندگار خویش را می داشت و این بساط را پهن نمی کرد».

رد و بدل شدن این سخنان بین کنیز و آن مرد موجب شد که کنیزک مکث زیادتری در بیرون خانه بکند. هنگامی که به خانه برگشت اربابش پرسید: «چرا این قدر دیر آمدی؟»

کنیزک ماجرا را تعریف کرد و گفت: «مردی با چنین وضع و هیئت می گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.»

شنیدن این ماجرا او را چند لحظه در اندیشه فرو برد. مخصوصاً آن جمله (اگر بنده می بود از صاحب اختیار خود پروا می کرد) مثل تیر بر قلبش نشست. بی اختیار از جا جست و به خود مهلت کفش پوشیدن نداد. با پای برهنه به دنبال گوینده ی سخن رفت. دوید تا خود را به صاحب سخن که جز امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نبود رساند. به دست آن

حضرت به شرف توبه نائل شد، و دیگر به افتخار آن روز که با پای برهنه به شرف توبه نائل آمده بود، کفش پا نکرد. او که تا آن روز به «بشر بن حارث بن عبدالرحمن مرزوی» معروف بود، از آن به بعد، لقب «الحافی» یعنی «پا برهنه» یافت و به بشر حافی معروف و مشهور گشت. تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند، دیگر گردگناه نگشت. تا آن روز در سلک اشراف زادگان و عیاشان بود، از آن به بعد، در سلک مردان پرهیزکار و خداپرست در آمد.

**تعریف:**

نظافت عبارت است از پاکیزگی اعضا و جوارح و لباس و محیط زندگی از کثافتها و آلودگیها.

**از نگاه قرآن:**

﴿وَيَا بَنِي إِدْرِيسَ إِنَّمَا بُطِّلْتُ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَتُحَرِّرُونَ بَنِي إِدْرِيسَ﴾<sup>۱</sup>  
و لباست را پاک کن، \* و از پلیدی دوری کن.

**از منظر اهل بیت (علیهم السلام):**

﴿قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بُنِيَ الدِّينُ عَلَى النَّظَافَةِ﴾<sup>۲</sup>  
رسول خدا ﷺ: دین بر نظافت بنا شده است.

﴿وَقَالَ الْبَاقِرُ ﷺ: صَلَاةٌ رَكَعَتَيْنِ بِسِوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سِوَاكِ﴾<sup>۳</sup>  
امام باقر ﷺ: دو رکعت نماز با مسواک برتر از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک است.

**پیامدهای فردی و اجتماعی:**

۱. پاکیزگی موجب ایمنی از بیماری هاست. ۲. نظافت مایه‌ی زیبایی و زینت زندگی است. ۳. پاکیزگی سبب دوستی مردم می شود. ۴. نظافت موجب نشاط و انبساط خاطر و رشد حالات عرفانی و اخلاقی است. ۵. پاکیزگی و نظافت نشانه‌ی شخصیت افراد است.

۱. مدثر/۴ و ۵.

۲. الکافی/۴۴۱/۶.

۳. من لا یحضره الفقیه / ج ۱ ص : ۵۲.

## راه های دستیابی:

راه علمی: ۱. تفکر در فوائد نظافت از نظر فردی و اجتماعی ۲. دقت در آیات و روایات طهارت و نظافت.

راه عملی: ۱. رعایت اصول بهداشتی. ۲. عمل به توصیه های بهداشتی و پزشکی ۳. خواندن زندگی نامه ی اشخاص پاک و همنشینی با آنان ۳. اهمیت عملی برای بهداشت فردی و اجتماعی قائل بودن. ۴. داشتن دقت های تربیتی شخصی و خانوادگی.

## نکات قابل توجه:

۱. نظافت و آراستگی شامل موضوعاتی مانند: نظافت لباس، بدن، محیط زندگی، جامعه، بهداشت تغذیه، ازاله ی موهای زائد بدن و ... می شود.
۲. برای عبادت و نماز و زیارت شایسته است از ساده ترین و تمیزترین لباس ها استفاده شود.
۳. تمام اقسام طهارت و نظافت در اسلام دارای آداب و مقررات و اسراری است که باید با آن ها آشنا بود.

## حکایت:

دختر امام خمینی علیه السلام می گوید وقتی وارد اتاق آقا می شدیم، فضای آن معطر بود، همه نوع عطری مصرف می نمودند وقتی به حمام می رفتند، لباس خود را عوض می کردند و چون آن را می آوردند تا شسته شود بوی گل می داد. در نجف وقتی از مسجد یا بارگاه مطهر باز می گشتند و به دلیل

گرمی شدید هوا خیس عرق می‌شدند لباس خود را تعویض می‌کردند  
هنگام مشرف شدن به حرم خود را معطر می‌ساختند. یکی از پزشکان امام  
نیز می‌گوید برای انجام خدمات درمانی خدمت امام رسیدم، مشغول کار  
بودم که قطعه‌ای پارچه‌ای را مشاهده کردم که خیلی منظم و مرتب تا شده  
و در مجاورت ایشان قرار داشت. نخست نفهمیدم چیست و تنها وقتی آقا  
داشتند جوراب خود را پا می‌کردند متوجه گردیدم آن پارچه تمیز جوراب  
امام است که یکی از لنگه‌های آن وصله خورده بود اما نظافت و پاکیزگی  
فوق العاده‌ای داشت.



### تعریف:

نظم در زندگی یعنی مرتب نمودن امور زندگی و آراستن کارها به برنامه ریزی با توجه به عنصر زمان و اولویت‌ها و نیازها.

### از نگاه قرآن:

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ﴾<sup>۱</sup>  
و هر چیز نزد او مقدار معینی دارد.

### از منظر اهل بیت (علیهم‌السلام):

«قال علی (علیه‌السلام): أُوصِيكُمَا وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ  
كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمٍ أَمْرِكُمْ»<sup>۲</sup>  
امام علی (علیه‌السلام): شما دو فرزندم و همه فرزندانم و نزدیکانم و کسانی که  
نامه‌ی من به آنها می‌رسد، به تقوا و نظم در کارها سفارش می‌کنم.

«قَالَ عَلِيُّ (علیه‌السلام): الْحِلْمُ نِظَامُ أَمْرِ الْمُؤْمِنِ»<sup>۳</sup>  
امام علی (علیه‌السلام): بردباری عامل نظم در کار مؤمن است.

### پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. کسی که کارهایش طبق نظم باشد از تشویش خاطر رهایی می‌یابد.
۲. رعایت نظم موجب می‌گردد انسان از فرصت‌ها، استفاده‌ی بهینه کند.
۳. نظم یکی از نشانه‌های رشد، شخصیت آدمی است. ۴. با رعایت نظم می‌توان کارهای زیادی را در مدت زمان اندک انجام داد.

۱. رعد/۸

۲. نهج البلاغه، کتاب ۴۷.

۳. غررالحکم ۱/۳۷۲.

## راه‌های دستیابی:

۱. مطالعه در زندگی مفاخر و اثر نظم در موفقیت‌های آنان. ۲. مطالعه و تفکر در فوائد انضباط در زندگی. ۳. دقت در نظم حاکم بر نظام هستی و درس آموزی از آن. ۴. پرهیز از معاشرت با افراد بی‌نظم. ۵. نظم دادن به امور جزئی زندگی برای تمرین نظم بخشی امور زندگی. ۶. اهمیت دادن به وعده‌ها و پیمان‌ها. ۷. اهمیت دادن به زمان و جدول و تقویم زمانی در زندگی.

## نکات قابل توجه:

۱. با توجه به فرمایش حضرت علی علیه السلام که می‌فرمایند: (ولی امر به منزله‌ی رشته‌ای است که مهره‌ها را گرد آورده و آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد و نیز توجه به معنای لغوی نظم در می‌یابیم عامل اصلی وجود نظم در جامعه، ولی امر می‌باشد. ۲. نظم و انضباط در سیره‌ی پیامبر جایگاه ویژه‌ای دارد.

امام علی علیه السلام در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چون به خانه می‌رفت اوقات خویش را به سه قسمت تقسیم می‌کرد، بخشی برای خدا، بخشی برای خانواده، و بخشی را به خود اختصاص می‌داد و سپس بخشی را که به خود اختصاص داده بود میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و بخشی از آن را به مردم اختصاص می‌داد و عام و خاص را می‌پذیرفت و چیزی از آن مضایقه نمی‌کرد.





## حکایت:

یکی از حکما و مراجع تقلید به نام مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالحسن رفیعی رحمه الله در نزدیک به ۵۰ سال پیش، مدتی امام جماعت یکی از مساجد تهران بود. ایشان به طور منظم به نماز جماعت نمی آمد. آن زمان امام خمینی رحمه الله در نماز جماعت آیت الله رفیعی شرکت می کرد. شبی آیت الله رفیعی رحمه الله دیر کرد، امام خمینی رحمه الله از میان جمعیت برخاست و خطاب به مردم گفت: «بیاید با هم به آقا بگوییم به طور منظم و مرتب و سر وقت تشریف بیاورند؛ زیرا این گونه که ایشان می آیند وقت بسیاری از مردم به هدر می رود. پس همه ما با هم به آقا اعتراض کنیم».

طولی نکشید که امام جماعت آمد. یک نفر به او گفت: سید جوانی (یعنی امام خمینی رحمه الله) که از بی نظمی شما در آمدن به مسجد ناراضی بود، می گفت: به آقا بگوییم. مرتب بیایند. تقریباً به بی نظمی شما در آمدن اعتراض داشت.

در آن وقت امام خمینی رحمه الله در چند قدمی امام جماعت مشغول نماز بودند. ایشان را به امام جماعت نشان دادند. همین که چشم آقای رفیعی به امام افتاد، فرمود: «ایشان حاج آقا روح الله و مردی بسیاری فاضل، وارسته، باتقوا و منظم هستند. اگر گاهی دیر آدم به ایشان اقتدا کنید».

تعریف:

نگاه کردن به آنچه در شریعت اسلام ممنوع اعلام شده، در زمره‌ی گناهان چشم به حساب می‌آید و باید از آن پرهیز کرد.

از نگاه قرآن:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾<sup>۱</sup>

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند این برای آنان پاکیزه‌تر است خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است!

از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قال رسول الله ﷺ: مَنْ مَلَأَ عَيْنَهُ مِنْ حَرَامٍ مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ»<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ: کسی که چشمش را پر از حرام کند (مثلاً به نامحرم نگاه کند) خداوند در روز قیامت چشمش را پر از آتش می‌کند. مگر اینکه از کار خود پشیمان شود و توبه کند.

## اسباب و علل:

۱. مشکل عدم اعتقاد به موضوع: بعضی‌ها فکر می‌کنند غربی‌ها که این حریم‌ها و مرزهای محرم و نامحرم را ندارند بسیار پاکیزه‌تر از ما زندگی کرده و دچار مشکلات روحی و روانی نمی‌شوند بنابراین بکلی این حد و مرز را از چشم خود برداشته و به همه چیز و همه کس نگاه می‌کنند، ولی کافی است که اینگونه مطالب و جزوات را مطالعه کنند تا جواب خود را بگیرند.

۲. محیط زندگی و رفت و آمد: بعضی از مردم بدلیل اینکه در محل کار و یا درس خود نامحرم وجود دارد مجبور به نگاه حرام می‌شوند.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. پشیمانی: بسیاری از نگاه‌ها حاصلی جز پشیمانی ندارد.
۲. نگاه‌های پی در پی موجب می‌شود شهوت تحریک گردد و خود این، زمینه ساز فتنه و انحراف است.
۳. نگاه به مناظر حرام باعث می‌شود در قیامت دیدگان انسان پر از آتش گردد، مگر این که توبه کند.

## راه‌های درمان:

۱. توجه به آثار نگاه پاک: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: به محض پوشش چشم از نامحرم خداوند کاری می‌کند که فرد طعم ایمان را بچشد.
۲. اگر انسان بداند که نگاه آلوده انعکاس و پژواک دارد پس بی‌مهابا مرتکب چنین عملی نمی‌شود امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که با قصد شهوت از پشت سر به زن‌های نامحرم نگاه کند بعد از این اشخاص دیگری پیدا می‌شوند که با قصد شهوت از پشت سر به ناموس او نگاه می‌کنند. ۳. توجه به اینکه نگاه آلوده جزغم و اندوه چیزی برای انسان باقی نمی‌گذارد.

## نکات قابل توجه:

۱. اگر انسان بداند با نگاه کردن به یک نقاشی یا مجسمه و یا مانکن و لباس مردانه یا زنانه از حالت عادی خارج می‌گردد نباید نگاه کند.
۲. نگاه کردن مرد به بدن و موی زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر با قصد لذت باشد حرام است.

## حکایت:

در شهری سه برادر بودند که برادر بزرگ ده سال مؤذن مسجدی بود که روی مناره‌ی مسجد اذان می‌گفت، و پس از ده سال از دنیا رفت. برادر دومی هم چند سال این وظیفه را ادامه داد تا عمر او هم به پایان رسید. به برادر سومی گفتند: این منصب را قبول کن و نگذار صدای اذان از مناره قطع شود، اما او قبول نمی‌کرد.

گفتند: مقدار زیادی پول به تو خواهیم داد! گفت: صد برابرش را هم بدهید من حاضر نمی‌شوم.

پرسیدند: مگر اذان گفتن بد است؟ گفت: نه، ولی در مناره حاضر نیستم. علت را پرسیدند، گفت: این مناره جایی است که دو برادر بدبخت مرا بی‌ایمان از دنیا برده؛ چون در ساعت آخر عمر برادر بزرگم، بالای سرش بودم و خواستم سوره یس بخوانم تا آسان جان دهد، مرا از این کار نهی می‌کرد.



برادر دومم نیز با همین حالت از دنیا رفت. برای یافتن علت این مشکل، خداوند به من عنایت کرد و برادر بزرگم را در خواب دیدم که در عذاب بود.

گفتم: تو را رها نمی‌کنم تا بدانم به چه دلیل شما دو نفر بی‌ایمان مردید؟ گفت: زمانی که به مناره می‌رفتیم، با بی‌حیائی نگاه به ناموس مردم درون خانه‌ها می‌کردیم، این مسأله فکر و دلمان را به خود مشغول می‌کرد و از خدا غافل می‌شدیم، برای همین عمل شوم، بدعاقبت و بدبخت شدیم.

تعریف:

نیکی به همسایگان شامل شناخت و رعایت حقوق همسایگان و احسان و همزیستی مسالمت آمیز با آنان است.

از نگاه قرآن:

﴿وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَ  
الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ﴾<sup>۱</sup>  
و به پدر و مادر نیکی کنید همچنان به خویشاوندان و یتیمان و  
مسکینان، و همسایه‌ی نزدیک، و همسایه‌ی دور، و دوست و همنشین.

از منظر اهل بیت (علیهم السلام):

«قال رسول الله ﷺ: مَا زَالَ جَبْرِئِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى  
ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَثُهُ»<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ: دائماً جبرئیل مرا سفارش به حق همسایگان می‌نمود  
به شکلی که گمان کردم همسایه از همسایه ارث می‌برد.

«قال علي (عليه السلام): اللَّهُ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ»<sup>۳</sup>  
امام علی (علیه السلام): خدا را خدا را در مورد همسایگانتان چرا که این سفارش  
پیامبر شماست.

۱. نساء/۳۶.

۲. أمالی (صدوق) مجلس شصت و ششم.

۳. نهج البلاغه (للصبحي صالح) ص: ۴۲۱.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. تقویت ارتباطات اجتماعی: نیکی به همسایگان موجب ایجاد رفت و آمد بین آن‌ها و تقویت روابط اجتماعی می‌شود.
۲. آرامش و سکوت خاطر: احساس امنیت و اعتماد ناشی از عدم آزار همسایگان موجب آرامش خاطر در خانواده می‌گردد.
۳. نزول برکات و فیوضات الهی بر خانه و اهل خانه: نیکی به همسایه باعث نزول برکات الهی می‌گردد.

## راه‌های دستیابی:

۱. راه علمی: اندیشه در منافع حسن همجواری و رعایت حقوق همسایگی.
۲. اندیشه در مفسد عدم همزیستی سالم.
۱. راه عملی: انتخاب همسایگان خوب.
۲. رعایت و به کارگیری تدریجی حقوق همسایگی.

## نکات قابل توجه:

۱. آزار همسایگان حرام است.
۲. در روایات به شعاع چهل خانه از هر طرف، حد همسایگی تعیین شده است.
۳. منظور از خوش همسایگی عدم آزار آنها نیست، بلکه علاوه بر این نیکی به آنان و مدارا با آنان است.
۴. برخی از حقوق همسایگی عبارتند از: الف) آزار ندادن آنها. ب) خیر خواهی برای آنها. ج) مشارکت با آنها در رفع نیازها. د) عیادت. و) کنترل چشم از ناموس همسایه. ه) رسیدگی به وضع اقتصادی همسایه‌ی نیازمند. ی) رعایت بهداشت و نظافت محیط.

۵. مسجد حق همسایگی بر افراد ساکن اطراف خود دارد و رعایت حق همسایگی مسجد لازم است که از جمله آن نماز خواندن در مسجد است.

۶. دو فرشته مأمور نوشتن اعمال ما نسبت به همسایگان ما هستند تا حقوق آنها رعایت شود.

### حکایت:

نویسنده‌ی کتاب مفتاح الکرامه، سید جواد عاملی می‌گوید: شبی مشغول خوردن شام بودم که دیدم خادم سید بحرالعلوم درب خانه‌ی مرا زد و گفت: سید بحرالعلوم شام در نزدش است و منتظر شماست. با خادمش به منزل سید رفتیم. تا مرا دید گفت: از خدا نمی‌ترسی که مراقبت نداری؟ عرض کردم: مگر چه شده است؟ فرمود: مردی از برادران هم مذهب تو، برای خانواده‌اش، فقط خرمای زاهدی، آن هم نسیه می‌گیرد و در طی هفت روز طعامی جز این نداشته‌اند. امروز نزد بقال رفت تا چیزی نسیه بگیرد که او را جواب کرد و او (محمد نجم عاملی) و خانواده‌اش اکنون گرسنه‌اند، تو غذای سیر می‌خوری با اینکه همسایه‌ات مستحق است؟ عرض کردم: من اطلاعی نداشتم. فرمود: اگر می‌دانستی و کمک نمی‌کردی که یهودی و کافر بودی. ناراحتی‌ام این است که چرا از حال برادران دینی‌ات تفحص نمی‌کنی؟ اکنون خادمم این ظرف‌های غذا را بر می‌دارد، با او بروید و به آن مرد بگو، میل داشتم امشب با هم غذا بخوریم و این کیسه پول را نیز زیر حصیر او بگذار و ظرف‌ها را هم بر مگردان. سید جواد می‌گوید: با خادم سید نزد آن مرد رفتیم. او گفت: این غذا را اعراب درست نمی‌کنند، بگو متعلق به کیست؟ گفتم: سید بحرالعلوم، گفت: به خدا سوگند تا به حال کسی از حال من خبر نداشت.





تعریف:

ورزش عبارت است از حرکت های منظم و مکرر بدنی برای دستیابی به توانایی ، چالاکی، نشاط و سلامت بیشتر.

از نگاه قرآن:

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾<sup>۱</sup>

خداوند طالوت را برای شما (بنی اسرائیل) برگزید و به او دانش و قوت بدنی داد.

از منظر اهل بیت علیهم السلام:

«قال على عليه السلام: الصَّحَّةُ أَفْضَلُ النَّعَمِ»<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: سلامتی از برترین نعمتهای خداست.

«قال رسول الله ﷺ: أَحَبُّ اللّٰهُو إِلَى اللّٰهِ تَعَالَى إِجْرَاءُ الْخَيْلِ

و الرِّمِيِّ»<sup>۳</sup>

رسول خدا ﷺ: بهترین بازیها در نزد خدا، اسب سواری و تیر اندازی است.

۱. بقره/۲۴۷.

۲. عیون الحکم ص: ۱۷.

۳. نهج الفصاحة ۵۶۸/ح ۱.

## پیامدهای فردی و اجتماعی:

۱. ورزش ضامن نشاط فردی و اجتماعی است. ۲. ورزش باعث شیرین شدن زندگی و لذت بخش بودن آن می‌شود. ۳. ورزش موجب پیشگیری نسبت به بیماری‌ها می‌شود. ۴. حرکات ورزشی موجب تأمین نیازهای غریزی و تقویت سیستم عصبی می‌شود. ۵. ورزش تنبلی و کسالت را در انسان از بین می‌برد.

## راه‌های دستیابی:

راه علمی: ۱. اهمیت دادن به سلامتی و تقویت جسم و راه‌های آن را مطالعه نمودن.

راه عملی: برای تضمین سلامتی باید به این موارد اهمیت داد:  
۱. تنفس صحیح (تنفس عمیق در هوای پاک). ۲. برنامه غذایی مناسب و متنوع. ۳. تمرین‌های بدنی مناسب. ۴. رعایت اصول ایمنی در کار و زندگی.

## نکات قابل توجه:

۱. عقل سالم در بدن سالم است.  
۲. تیراندازی، شنا، کشتی، اسب دوانی، کوه نوردی و صحرا نوردی (که از سنت‌های انبیای الهی بوده) از ورزش‌های مورد تأیید در روایات است.  
۳. ورزش برای همه‌ی طبقات و اصناف لازم است اما در روایات بخصوص برای کودکان توصیه شده است در همین زمینه امام صادق علیه السلام فرمودند: «فرزند خود را به بازی کردن در سن هفت سالگی تشویق کن».

۴. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در توصیه‌ای به جوانان، سه انتظار خویش از ایشان را، تحصیل، تهذیب و ورزش عنوان فرمودند.
۵. سلامتی زیر بنای خوشبختی، قدرت و روحیه است و اسلام طرفدار قدرت مسلمین و اسلام است.

### حکایت:

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک بر می‌گشت، میان یاران خود مسابقه سواری برقرار ساخت. اسامه که بر شتر معروف پیامبر به نام غضبا سوار بود، از همه پیشی گرفت. مردم به خاطر این که شتر از آن پیامبر بود، صدا زدند: رسول الله پیشی گرفت. اما پیامبر صدا زد: اسامه پیشی گرفت و برنده شد. این سخن پیامبر اشاره به این نکته بود که سوار کار مهم است، نه مرکب. و چه بسا مرکب راهواری که به دست افراد ناشی بیفتد، کاری از آن ساخته نیست.

- تمام صفات وارستهٔ انسانی در انقطاع کامل الی الله نهفته است.
- مقامی که برای بندگان صالح خدا در نظر گرفته شده، تمام دنیا و مافیها - با آن جلوه های ساختگی - در مقابل آن به قدر پیشیزی ارزش ندارد.
- این دنیا با تمام زرق و برق ظاهری اش ناچیزتر از آن است که قابل محبت باشد.
- این زندگی زودگذر به ظاهر شیرین، در مقابل عذاب غیرمتناهی چه ارزشی دارد؟
- کلیهٔ امور دنیوی اگر موجب توجه انسان به دنیا و غفلت از خداوند متعال شود، باعث حجاب ظلمانی می شود.
- حزب الله باشید؛ از زرق و برق زندگی و جلوه های ساختگی آن بپرهیزید.
- ریشهٔ تمام اختلافاتی که فاقد هدف مشخص و مقدسی باشد، به حبّ دنیا بر می گردد.
- انبیای خدا برای این مبعوث شدند که آدم تربیت کنند؛ انسان بسازند؛ بشر را از زشتی ها، پلیدی ها، فسادها و رذایل اخلاقی دور سازند و با فضایل و آداب حسنه آشنا کنند.



- اگر برای خدا قدم بردارید، خداوند متعال مقلب القلوب است، دلها را به شما متوجه می سازد.

- جز به خالق یکتا به احدی توجه نداشته باشید.

- قلب انسان مانند آینه صاف و روشن است، و بر اثر توجه فوق العاده به دنیا و کثرت معاصی کدر می شود.

- از خدا بترسید؛ از عواقب امور بپرهیزید؛ از خواب غفلت بیدار شوید!

- دوراندیش باشید؛ عواقب امور را بسنجید؛ عقبه های خطرناکی که

دارید به یاد آورید، از فشار قبر، عالم برزخ، مشکلات و شدایدی که به دنبال آن است، غفلت نکنید!

- جهنم با اعمال و کردار زشت انسان روشن می گردد.

- اگر بشر با اعمال و کردار خویش آتش نیفروزد، جهنم خاموش است.

باطن این طبیعت جهنم است؛ اقبال به طبیعت، اقبال به جهنم است.

- آنچه در عالم آخرت واقع می شود چیزی است که در این دنیا تهیه گردیده است.

- پیش از آنکه فرصت از دست برود، چاره بیندیشید!

- شما جوانان روبه پیری و ما پیران رو به مرگ پیش می رویم.

- هر نفسی که می کشید، هر قدمی که بر می دارید، و هر لحظه ای که

از عمر شما می گذرد، اصلاح مشکل تر گردیده، ممکن است ظلمت و تباهی بیشتر شود.



- تا نیرو و ارادهٔ جوانی دارید. می‌توانید هواهای نفسانی و خواسته‌های حیوانی را از خود دور سازید.



- قلب جوان لطیف و ملکوتی است و انگیزه‌های فاسد در آن ضعیف می‌باشد؛ لیکن هر چه سن بالا رود، ریشهٔ گناه در قلب قوی‌تر و محکم‌تر می‌گردد تا جایی که کندن آن از دل ممکن نیست.

- توبه با لفظ اُتوب الی الله تحقق نمی‌یابد؛ بلکه ندامت و عزم بر ترک لازم است.

- با خلق خدا حسن سلوک داشته، نیکو معاشرت کنید و با نظر عطوفت و مهربانی به آنان بنگرید.



- با بندگان خوب و صالح خدا نیکی کنید.

- کسی که دیگر مسلمانان از دست و زبان و چشم او در امان نباشند، در حقیقت مسلمان نیست.

- اهانت به بندهٔ خدا، اهانت به خداست.

- کسی که دنبال هوای نفس رفت و از شیطان متابعت کرد، به تدریج به صیغهٔ او در می‌آید.

- اهل آخرت با هم در صلح و صفا هستند؛ قلب هایشان مملو از محبت خدا و بندگان خداست.

- محبت بندگان خدا، همان ظلّ محبت خداوند است.



- قرآن کریم امانت بزرگ خداست؛ علما و روحانیون امانتدار الهی هستند.

- در نفسی که مهذب نشده، علم، حجاب ظلمانی است.  
- علم نور است؛ ولی در دل سیاه و قلب فاسد دامنه‌ی ظلمت و سیاهی را گسترده‌تر می‌سازد.

- علمی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند، در نفس دنیا طلب، باعث دوری بیشتر از درگاه ذی الجلال می‌گردد.

- علم توحید هم اگر برای غیر خدا باشد، از حجب ظلمانی است.  
- اگر انسان خبثت را از نهادش بیرون نکند، هر چه درس بخواند و تحصیل نماید نه تنها فایده‌ای بر آن مترتب نمی‌شود؛ بلکه ضررها دارد.  
- هر قدمی که برای تحصیل علم برمی دارید، قدمی هم برای کوبیدن خواسته‌های نفسانی، تقویت قوای روحانی، کسب مکارم اخلاق، تحصیل معنویات و تقوا بردارید.

- اگر اخلاص و قصد قربت نباشد، این علوم هیچ فایده‌ای ندارد.  
- بکوشید پیش از آنکه وارد جامعه گردید خود را اصلاح کنید، مهذب سازید.

- اگر به سبب اعمال و کردار و رفتار ناروای شما یک نفر گمراه شده (و) از اسلام برگردد، مرتکب اعظم کبائر می‌باشید.

- خدا نکند انسان پیش از آنکه خود را بسازد، جامعه به او روی آورده و

در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند که خود را می‌بازد.

- قبل از آنکه عنان اختیار از کف شما ربوده شود، خود را بسازید و

اصلاح کنید.

- اگر در کارها نیت خالص نباشد، انسان را از درگاه ربوی دور می‌کند.

- ایادی استعمار می‌خواهند تمام حیثیات اسلام را از بین ببرند و شما

باید در مقابل ایستادگی کنید.

- قدم را الهی کنید، حب دنیا را از دل بیرون نمایید، آن وقت می‌توانید

مبارزه کنید.

گزیده‌ای از کتاب جهاد اکبر از امام خمینی

